



## در دیدار غنی با رهبران سیاسی و جهادی بر تجهیز خیزش‌های مردمی فیصله شده است

اطلاعات روز: ارگ ریاست‌جمهوری از دیدار رییس‌جمهور غنی با شماری از شخصیت‌های سیاسی و جهادی کشور خبر داده است.

صفحه ۲

## نشست سه‌روزه‌ی نمایندگان کشورهای همکار صلح افغانستان امروز در دوحه آغاز می‌شود

صفحه ۲

## ساکنان لبه‌ی پر تگاه



صفحه ۳

## درآمدی بر «مقاومت عاری از خشونت» (۵)

صفحه ۷

یادداشت روز

## نیروهای امنیتی ملی و بسیج مردمی را به هم پیوند بزنید

از زمانی که طالبان، عملیات بزرگ تصرف قلمرو و سقوط ولسوالی‌ها را آغاز کردند، کمتر از صد روز می‌گذرد. این گروه، پس از تصرف بیش از صد ولسوالی در مرحله‌ی اول حملات‌شان، اکنون به شهرها چشم دوخته است. مراکز ولایات نیمروز، سرپل، کندز و تخار در تصرف جنگجویان طالبان قرار دارد. طالبان پس از تصرف شیرخان، مرکز قدرت مارشال دوستم، انبار اسلحه و مهمات دولتی و نیروهای مردمی مارشال دوستم را خالی کردند و سپس دست به عقب‌نشینی زدند. گفته می‌شود طالبان به بخش‌هایی از شهر ایبک، مرکز ولایت سمنگان وارد شده و نمی‌دانیم با سرعتی که جنگجویان این گروه می‌جنگند و از خطوط دفاع عبور می‌کنند، زمانی که این متن به خوانش مخاطبان می‌رسد، ایبک در تصرف کامل طالبان قرار می‌گیرد یا خیر. علاوه بر سقوط چند شهر به دست طالبان، مراکز چندین ولایت استراتژیک هرات، غزنی...

۲

یونیسف:

## در سه شبانه‌روز گذشته ۲۷ کودک در سه ولایت کشته و ۱۳۶ کودک زخمی شده‌اند

اداره حمایت از کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) اعلام کرده است که «قساوت» در افغانستان روز به روز بیشتر می‌شود و تنها در سه شبانه‌روز گذشته، ۲۷ کودک در نتیجه‌ی جنگ در ولایت‌های قندهار، خوست و پکتیا کشته و ۱۳۶ کودک دیگر زخمی شده‌اند.



صفحه ۲

مؤارش ۴

## بین‌المللی‌سازی مذاکرات صلح

باستین در مقاله‌اش کوشیده است تا ریشه‌های جنگ، چگونگی روند صلح و دلایل شکست مذاکرات در سرلانکا را به بررسی بگیرد. در همین حال آقای پیریس به سه حوزه‌ی مهم مشارکت بین‌المللی به‌شمول تأثیر نام‌گذاری تروریست‌ها بر بهره‌ای آزادسازی تامیل ایلام (ببرهای تامیل)، استفاده از کمک‌ها به‌عنوان اهرم و...

این مطلب فشرده‌ی دو مقاله‌ای است که توسط سونیل باستین، پژوهشگر اقتصاد سیاسی سرلانکا تحت عنوان «مذاکرات در دنیای جهانی‌شده» و هریم پیریس، خبرنگار و تحلیلگر سیاسی با عنوان «محدودیت‌های نفوذ خارجی» نوشته و از سوی موسسه تحقیقاتی کانسیلیشن ریسورس به نشر رسیده است. چنانکه از عنوان‌ها پیداست، آقای

مؤارش ۵

## آموزش در حبس

در سایه‌ی حملات طالبان به شهرهای بزرگ افغانستان و رها کردن زندانیان، اما در زندان مرکزی هرات ده‌ها زندانی در بخش «فن و حرفه» برای زندگی فارغ از جرم تلاش می‌کنند. بسیاری از این زندانیان، به‌دلیل مهارت نداشتن در یک حرفه، مجبور شدند که به کارهای خلاف قانون روی بیاورند و...



ترجمه

## چین در افغانستان؛ تجارت و تروریسم

مرسی کو: توضیح دهید که چگونه حفظ رابطه با افغانستان پس از خروج نیروهای نظامی ایالات متحده از این کشور منافع ملی چین را تأمین می‌کند. شان رابرتس: منافع چین در افغانستان عمدتاً با امنیت ابتکار کمربند و راه بیجینگ پیوند دارد. حکومت چین می‌توانست افغانستان را دور بزند و زیرساخت مسیرهای تجاری ابتکار کمربند و راه خود را ایجاد کند. اما افغانستان بین دو گذرگاه تجاری اصلی چین در غرب و جنوب‌غرب (آسیای میانه و دالان اقتصادی چین و پاکستان) قرار گرفته است. در نتیجه افغانستان می‌تواند به منبع بی‌ثباتی برای منطقه و ابتکار کمربند و راه بیجینگ تبدیل شود. من فکر می‌کنم که اولویت اصلی جمهوری خلق چین در افغانستان، اطمینان از این است که افغانستان منافع چین را در آسیای مرکزی و پاکستان...

۳



بسته‌های ویژه اینترنتی برای بلاک‌های ره‌ایشی و خانه‌های انفرادی







ادامه‌یادداشت‌روز

قندهار، هلمند، بغلان، بدخشان، بلخ، بادغیس و زابل به‌صورت کامل در محاصره‌ی طالبان قرار دارد.

به‌نظر می‌رسد در شرایط اضطراری کنونی، فرصت کافی برای مطول کردن سخن در خصوص عوامل و ریشه‌های دور و نزدیک رقم خوردن وضعیت کنونی وجود نداشته باشد. نیروهای امنیتی ملی افغانستان، در مقایسه با طالبان، مجهزتر، پرتعدادتر، آموزش‌دیده‌تر و برخوردار از مشروعیت و حمایت قدرتمند داخلی و بین‌المللی هستند اما در میدان عمل و جنگ، این جنگجویان طالبان هستند که خط به خط، قدم به قدم، ولسوالی به ولسوالی و شهر به شهر فاتح میدان‌های نبرد می‌شود. پاسخ به این تناقض، مثنوی هفتاد منی می‌طلبد که در فرصت تنگ این یادداشت و وضعیت اضطراری و حساس کنونی نمی‌گنجد.

بنابراین، یکی از اقدام‌ها و راه‌حل‌های فوری و دم‌دستی که هم امکان اجرایی‌شدن آن وجود دارد و هم می‌تواند وضعیت را به نفع جمهوری اسلامی افغانستان و ضرر طالبان در جبهات جنگ بچرخاند، پیوند زدن نیروهای امنیتی ملی با بسیج‌های مردمی است. این پیوند باید استراتژیک، عمیق و واقعی باشد نه صرفا مستمسک سیاسی و رسانه‌ای که در محافل رسانه‌ای و تبلیغاتی از سوی حکومت استفاده شود.

بسیج‌های مردمی و بومی در سطح محلات علیه طالبان، از هفته‌ها قبل، شکل گرفته و عملا در جبهات جنگ حضور یافته‌اند، اما هنوز هم، حکومت به این نیروها نه به دیده‌ی یک امکان واقعی، قابل اتکا و اعتماد در جهت بهبود وضعیت در جبهات جنگ که به دیده‌ی یک مستمسک سیاسی برای جنگ تبلیغاتی و رسانه‌ای علیه طالبان می‌نگرد.

بسیج مردمی، نیازمند بودجه، آموزش، تجهیزات، امکانات و اعتماد سیاسی است. گروه‌های خودجوش مردمی که عزم جزم کرده‌اند تا در برابر طالبان و در حمایت از نظم سیاسی‌شان بجنگند، بی‌آن‌که به حد کافی از طرف حکومت، اعتماد سیاسی و نظامی، تجهیزات، امکانات و پوشش مالی و تسلیحاتی دریافت کنند، نمی‌توانند کاری از پیش ببرند. گزارش‌های فراوانی وجود دارد که نشان می‌دهد نیروهای بسیج مردمی، کمک‌ها و امکانات مالی و جنگی کافی از طرف حکومت دریافت نکرده‌اند.

فقط در صورتی، امکان بازدهی مثبت و مفید این نیروها در جبهات جنگ وجود دارد که حکومت به آن‌ها به‌عنوان امکان و بازو و ظرفیت مضاعف امنیتی و جنگی ببیند. حکومت باید در سیاست عملی و واقعی خود نسبت به این نیروها، تغییر آورده و بسیج‌های مردمی را به دیده‌ی نیروهایی ببینند که دوشادوش نیروهای امنیتی ملی در برابر هجمه‌ی سنگین حملات طالبان می‌ایستند. این یکی از گزینه‌ی فوری و مؤثر برای بهبود وضعیت است.

### نیروهای امنیتی و خیزش مردمی ولسوالی ورسج تخار را از طالبان پس گرفتند

اطلاعات روز: وزارت داخلی کشور اعلام کرده است که نیروهای امنیتی و خیزش مردمی ولسوالی ورسج تخار را از طالبان پس گرفته‌اند. در اعلامیه‌ی این وزارت آمده است که این ولسوالی در نتیجه‌ی یک عملیات «ضدتروریستی» از وجود جنگ‌جویان گروه طالبان پاکسازی شده است.

به نقل از اعلامیه، در حال حاضر نیروهای پولیس در قرارگاه ولسوالی ورسج مستقر اند. دو روز پیش شهر تالقان، مرکز ولایت تخار پس از نبردهای چندروزه به‌دست طالبان سقوط کرد. تالقان از مدت‌ها به این طرف در محاصره‌ی طالبان قرار داشت.

یک عضو شورای ولایتی تخار به روزنامه اطلاعات روز گفته بود که نیروهای امنیتی به‌خاطر جلوگیری از تلفات غیرنظامیان و خسارت به تأسیسات عام‌المنفعه، به‌سوی ولسوالی ورسج و فرخار عقب‌نشینی کرده‌اند.

از ولسوالی ورسج به‌عنوان یک ولسوالی استراتژیک تخار نام برده می‌شود که با ولایت‌های پنجشیر، بغلان و بدخشان مرز مشترک دارد. گروه طالبان تا کنون در این باره چیزی نگفته است.

اطلاعات روز: اداره حمایت از کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) اعلام کرده است که «قساوت» در افغانستان روز به روز بیشتر می‌شود و تنها در سه شبانه‌روز گذشته، ۲۷ کودک در نتیجه‌ی جنگ در ولایت‌های قندهار، خوست و پکتیا کشته و ۱۳۶ کودک دیگر زخمی شده‌اند.

یونیسف دیروز (دوشنبه، ۱۸ اسد) در اعلامیه‌ای، گفته است که در سه شبانه‌روز گذشته در ولایت قندهار ۲۰ کودک کشته و ۱۳۰ کودک زخمی شده‌اند. در ولایت خوست دو کودک کشته و سه کودک زخمی شده‌اند و در ولایت پکتیا نیز پنج کودک کشته و سه کودک زخمی شده‌اند.

یونیسف افزوده است: «اینها اعداد نیستند. هر یک از این مرگ‌ها و هر مورد از رنج جسمی یک تراژدی یا مصیبت شخصی است. همه‌ی این‌ها کودکانی اند که حق امنیت شان، براساس قانون بشردوستانه‌ی بین‌المللی، از سوی هر دو طرف جنگ نقض شده است.»

به نقل از اعلامیه‌ی یونیسف، این «قساوت‌ها» همچنین نشان‌دهنده‌ی ماهیت وحشی و مقیاس خشونت‌ها در افغانستان است که از کودکان آسیب‌پذیر قربانی می‌گیرد.

اداره حمایت از کودکان سازمان ملل متحد در مورد گزارش‌هایی درگیر شدن کودکان در جنگ از سوی گروه‌های مسلح، عمیقا

### غنی: سکتور خصوصی برای یک ماه از پرداخت تعرفه‌ی گمرکی معاف می‌شود

اطلاعات روز: رییس‌جمهور اشرف غنی در دیدار با اعضای فدراسیون اتاق‌های افغانستان و شماری از متشبهین، گفته است که سکتور خصوصی برای یک ماه از پرداخت تعرفه‌ی گمرکی معاف می‌شود.

این دیدار بعد از ظهر دو روز پیش (یک‌شنبه، ۱۷ اسد) در ارگ ریاست‌جمهوری انجام شده و اعضای فدراسیون اتاق‌های افغانستان، خواست‌ها و مشکلات‌شان را در رابطه به واردات مواد اولیه‌ی خوراکی، مطرح کرده‌اند.

آقای غنی در پاسخ به خواست‌های آنان گفته است که معافیت از پرداخت تعرفه‌ی گمرکی به‌گونه‌ی امتحانی است و پس از یک ماه، با توجه به وضعیت، تصمیم گرفته می‌شود. او سکتور خصوصی را دست راست خود دانسته و افزوده است؛ کسانی که از

### در دیدار غنی با

## رهبران سیاسی و جهادی بر تجهیز خیزش‌های مردمی فیصله شده است

اطلاعات روز: ارگ ریاست‌جمهوری از دیدار رییس‌جمهور غنی با شماری از شخصیت‌های سیاسی و جهادی کشور خبر داده است.

این دیدار دیروز (دوشنبه، ۱۸ اسد) در ارگ انجام شده و در آن ریيسان مجلس نمایندگان و مجلس سنای کشور نیز حضور داشته‌اند.

طبق اعلام ارگ، در این دیدار ضمن حمایت از نیروهای امنیتی و دفاعی و بقا و تداوم جمهوریت، در خصوص انسجام، تقویت و تجهیز سریع خیزش‌های مردمی در برابر «هجوم دشمن» فیصله صورت گرفته است.

رییس‌جمهور غنی در تاریخ نهم اسد نیز با شماری از رهبران سیاسی و جهادی در ارگ ریاست‌جمهوری جلسه‌ی مشورتی برگزار کرده بود.

رهبران سیاسی و جهادی در آن دیدار اعلام کرده بودند که از نیروهای امنیتی و دفاعی در برابر طالبان حمایت می‌کنند. حامد کرزی، رییس‌جمهور پیشین، صلاح‌الدین ربانی، رییس حزب جمعیت اسلامی افغانستان و گلبدین حکمتیار، رهبر حزب اسلامی در هر دو دیدار رییس‌جمهور غنی با رهبران سیاسی و جهادی حضور نداشته‌اند.

این درحالی است که طالبان حملات‌شان را بر مراکز شهرها شدت بخشیده‌اند. این گروه تا کنون مراکز پنج ولایت را در حوزه‌های شمال، شمال‌شرق و جنوب‌غرب کشور تصرف کرده است.

#### خبرهای داخلی

یونیسف:

## در سه شبانه‌روز گذشته ۲۷ کودک در سه ولایت کشته و ۱۳۶ کودک زخمی شده‌اند

ابراز نگرانی کرده است.

یونیسف در عین زمان گفته است که بسیاری از پسران و دختران دیگر به‌دلیل مشاهده‌ی «قساوت‌ها»یی که در خانواده و یا اطرافیان‌شان رخ داده، از لحاظ روانی به شدت آسیب دیده‌اند.

این اداره تأکید کرده است که کودکان نباید قربانی منازعات شوند و تنها پایان کامل خصومت‌ها می‌تواند از آنان محافظت کند: «همه کودکان، از جمله کودکان دارای معلولیت اکنون به حفاظت و آرامش نیاز دارند.»

به‌گفته‌ی یونیسف، تا زمانی که درگیری شدت می‌گیرد، حق پیشرفت کودکان به

### سکتور خصوصی رشوت می‌گیرند، خیانت ملی را انجام می‌دهند.

غنی به وزارت مالیه هدایت داده است که در مشورت با سکتور خصوصی، از طریق روند شفاف، کارمندان را استخدام و برای صادرات زمینه‌های لازم را فراهم کند.

آقای غنی به اداره امور ریاست‌جمهوری، وزارت مالیه و شهرداری کابل نیز هدایت داده است که مشترکا در راستای حل مشکل سکتور خصوصی کار کنند.

درحالی که در یک ماه گذشته اغلب گمرک‌های تجارتي در مرز با کشورهای تاجیکستان، ترکمنستان، پاکستان و ایران به‌دست طالبان سقوط کرده، اعضای فدراسیون اتاق‌های افغانستان گفته است که در این مدت حدود ده هزار تُن مواد اولیه‌ی خوراکی به بازار عرضه شده است.

## نشست سه‌روزه‌ی نمایندگان کشورهای همکار صلح افغانستان امروز در دوحه آغاز می‌شود

بود که کشورهای اشتراک‌کننده‌ی این دو نشست پیام افغانستان را گرفته‌اند.

به‌گفته‌ی او، پیام افغانستان این است که اعلامیه‌ای که در پایان این دو نشست منتشر خواهد شد، اگر نتواند جلوی جنگ و حملات طالبان بر شهرها را بگیرد و همچنین اعلامیه‌ای که نتواند مسئولان را مسئول و روند صلح را تسریع کند، به درد مردم افغانستان نمی‌خورد.

اتمر تأکید کرده بود که خواست دولت افغانستان این است که در این دو نشست قاطعیت منطقه و جامعه جهانی از راه سیاسی به طالبان توضیح داده شود.

### طالبان بدون درگیری وارد شهر «ایبک» سمنگان شدند

که نظامیان دولتی آمادگی کامل را برای حفاظت از شهر ایبک دارند. او گفته بود که نیروهای تازه‌نفس کماندو از ولسوالی حضرت سلطان بیرون و در کمربندی‌های شهر ایبک مستقر شده‌اند.

ولایت سمنگان در شمال کشور از ولایت‌های ناامن است که جنگ‌جویان طالبان در بیشتر نقاط این ولایت حضور و فعالیت گسترده دارند. شهر ایبک در آن، ششمین شهری است که از روز جمعه‌ی هفته‌ی گذشته، به‌دست طالبان سقوط کرده است.

طالبان در روز جمعه شهر زرنج، مرکز ولایت نیمروز، یک روز پس از آن شهر شبرغان، مرکز ولایت جوزجان و دو روز پیش هم شهرهای قندوز، سرپل و تالقان، مرکز ولایت تخار را سقوط دادند.

او گفت که نظامیان و مسئولان دولتی و نیروهای مقاومت مردمی به طرف منطقه‌ی «دره‌ی کلان» عقب‌نشینی کرده‌اند. او تأکید کرد که این نیروها، شهر ایبک را بدون درگیری ترک کرده‌اند.

هم‌اکنون به جز ولسوالی‌های دره‌صوف بالا، خرم‌سارباغ و روی‌دوآب متباقی ولسوالی‌های این ولایت در کنترل طالبان است.

صبح دیروز رییس شورای ولایتی سمنگان گفت که نیروهای امنیتی از ولسوالی حضرت سلطان این ولایت به‌خاطر «حفاظت از شهر ایبک» به این شهر منتقل شده‌اند. او گفت که هم‌اکنون ولسوالی حضرت سلطان در کنترل طالبان است.

با این حال، سیدامیرشاه سادات، رییس امنیت ملی سمنگان اطمینان داده بود

### طالبان دو پولیس زن ربوده‌شده در غزنی را کُشتند

طالبان این دو سرباز پولیس را دو روز پیش از «سای گنج» در حوزه‌ی اول امنیتی شهر غزنی ربودند. این سربازان پولیس که «عدرا» و «مریم» نام داشته، مربوط به حوزه‌ی سوم امنیتی شهر غزنی بوده‌اند.

طالبان آنان را در هنگام برگشت از محل کار به خانه‌ی‌شان، ربوده بودند.

این گروه هنوز در این مورد چیزی نگفته است.

ولایت غزنی در جنوب‌شرق کشور از ولایت‌های ناامن است که جنگ‌جویان طالبان در بیشتر نقاط این ولایت از جمله شهر غزنی حضور و فعالیت گسترده دارند. این گروه هم‌اکنون بخش‌هایی از این شهر را در کنترل دارد.



مرسی کو، دیپلمات  
مترجم: جلیل پژواک

**مرسی کو:** توضیح دهید که چگونه حفظ رابطه با افغانستان پس از خروج نیروهای نظامی ایالات متحده از این کشور منافع ملی چین را تأمین می‌کند.

**شان رابرتس:** منافع چین در افغانستان عمدتاً با امنیت ابتکار کمربند و راه بیجینگ پیوند دارد. حکومت چین می‌توانست افغانستان را دور بزند و زیرساخت مسیرهای تجاری ابتکار کمربند و راه خود را ایجاد کند. اما افغانستان بین دو گذرگاه تجاری اصلی چین در غرب و جنوب‌غرب (آسیای میانه و دالان اقتصادی چین و پاکستان) قرار گرفته است. در نتیجه افغانستان می‌تواند به منبع بی‌ثباتی برای منطقه و ابتکار کمربند و راه بیجینگ تبدیل شود. من فکر می‌کنم که اولویت اصلی جمهوری خلق چین در افغانستان، اطمینان از این است که افغانستان منافع چین را در آسیای مرکزی و پاکستان تهدید نکند. البته اگر جمهوری خلق چین بتواند با افغانستان همکاری کند، ثبات را در این کشور برقرار کند و این کشور را به‌عنوان بخشی از مسیرهای ابتکار کمربند و راه در نظر بگیرد، برای بیجینگ حالت ایده‌آل خواهد بود زیرا در آن صورت می‌تواند مسیرهای تجاری خود به سمت آسیای میانه و پاکستان را از طریق افغانستان به هم متصل کند و از دسترسی تقریباً عام و تام به ایران و بقیه کشورهای خاورمیانه برخوردار شود.

**مرسی کو:** بیجینگ چگونه می‌تواند مسأله تجارت و تروریسم را با کابل مدیریت کند و در عین حال نگرانی‌های سیاسی و امنیتی محلی افغانستان را مهار کند؟

**شان رابرتس:** فارغ از نوع رژیم، جمهوری خلق چین ترجیح می‌دهد با حکومت‌های برحالی در کشورها کار کند. اما در مشارکت با کشورهایی که مانند افغانستان حکومتش پایدار نیست، چین کم‌تجربه‌تر است. بیجینگ از سابقه طولانی در کار با طالبان و حکومت فعلی افغانستان برخوردار است اما رابطه کاری با هر دو طرف برای چین دشوار خواهد بود. زیرا طالبان و حکومت در حال جنگ با یکدیگر هستند. بیجینگ اغلب از چیزی سخن می‌زند که به نظر من رویکردی گمراه‌کننده متشکل از عنصر مشارکت اقتصادی و سیاسی است. حفظ این رویکرد برای جمهوری خلق چین، اگر بیجینگ در



## چین در افغانستان؛ تجارت و تروریسم

**مصاحبه با دکتر «شان رابرتس»، نویسنده کتاب «جنگ علیه اوغورها؛ کارزار داخلی چین علیه یک اقلیت مسلمان» و استاد یار روابط بین‌الملل و مدیر مطالعات توسعه بین‌المللی دانشگاه جورج واشنگتن**

هستند. اگر گروه‌های جهادی طرفدار اوغورها امکان فعالیت را در افغانستان پیدا کنند، می‌توانند پروژه‌های چینی را در سطح منطقه تهدید کنند. گزارش حمله به اتوبوس کارگران چینی در پاکستان در اوایل ماه جولای می‌تواند نشانه‌ای از چیزی باشد که چین در آینده در پاکستان و افغانستان و احتمالاً آسیای مرکزی با آن مواجه خواهد بود.

**مرسی کو:** نقش پاکستان در همکاری چین و افغانستان را توضیح دهید.  
**شان رابرتس:** پاکستان احتمالاً نزدیک‌ترین متحد چین است و من معتقدم که چین برای اطمینان از امنیت پروژه‌های خود در افغانستان و منطقه به پاکستان تکیه خواهد کرد. برای مثال احتمال دارد که چین قبل از دخیل‌کردن نیروهای چینی در افغانستان از ارتش پاکستان بخواهد در این کشور مداخله کند. پرسش این است که آیا پاکستان واقعا ظرفیت کنترل رویدادها در افغانستان را دارد



**پاکستان احتمالاً نزدیک‌ترین متحد چین است و من معتقدم که چین برای اطمینان از امنیت پروژه‌های خود در افغانستان و منطقه به پاکستان تکیه خواهد کرد. برای مثال احتمال دارد که چین قبل از دخیل‌کردن نیروهای چینی در افغانستان از ارتش پاکستان بخواهد در این کشور مداخله کند. پرسش این است که آیا پاکستان واقعا ظرفیت کنترل رویدادها در افغانستان را دارد**

ببیجینگ از طالبان خواست که جهادی‌های اوغور را مهار کند. با این حال، تهدید بزرگ‌تر برای منافع چین در افغانستان و در منطقه می‌تواند گروه‌های جهادی غیراوغور باشد که از رفتار چین با اوغورها به شدت عصبانی

آینده مشارکت خود را در افغانستان افزایش دهد، دشوارتر خواهد بود. این کار به ویژه وقتی دشوار می‌شود که ادامه‌ی درگیری در افغانستان برای منافع چین در این کشور خطرات امنیتی ایجاد کند. در آن حالت بی‌طرف‌ماندن برای جمهوری خلق چین دشوار خواهد بود.

**مرسی کو:** تأثیر سیاست چین در قبال سین‌کیانگ را بر افراط‌گرایی اسلامی در افغانستان و پاکستان تحلیل کنید.

**شان رابرتس:** من فکر می‌کنم که به اصطلاح تهدید جهادی‌های اوغور در افغانستان به‌نحوی بزرگ‌نمایی می‌شود. گفته می‌شود گروه کوچکی از جهادی‌های اوغور در افغانستان هستند که با طالبان هم‌سویند اما هرگز دیده نشده است که این افراد تهدیدی مستقیم برای چین باشند. به علاوه گروه طالبان نشان داده است که می‌تواند، اگر بخواهد، فعالیت این افراد را مهار کند. نمونه آن‌را در اواخر دهه ۱۹۹۰ دیدیم، وقتی

یا خیر و آیا دستگاه امنیتی پاکستان همیشه از دستورات دولت پیروی می‌کند یا خیر.  
**مرسی کو:** در حالی که چین به دنبال پرکردن خلأ قدرت در افغانستان پسا امریکاست، سه نگرانی ژئوپلیتیک و امنیتی اصلی ایالات متحده از نظر شما چیست؟

**شان رابرتس:** من مشارکت چین در افغانستان را تهدید ژئوپلیتیک یا امنیتی فوری نمی‌بینم. اما افزایش قدرت و نفوذ جمهوری خلق چین در افغانستان می‌تواند نگرانی‌هایی را در آینده ایجاد کند. برای مثال این خطر وجود دارد که افزایش دخالت چین در افغانستان فساد، حکومت‌داری ضعیف و بی‌ثباتی را در این کشور و در ادامه در سطح منطقه تشدید کند. دوم، این خطر وجود دارد که جمهوری خلق چین از قدرت اقتصادی خود در آسیای میانه، افغانستان و پاکستان برای ایجاد یک بلوک منطقه‌ای متشکل از کشورهای حامی استفاده کند تا به بیجینگ کمک کند از پاسخ‌دهی در برابر سازمان ملل متحد در قبال اقدامات داخلی و بین‌المللی خود سر باز زند. چین قبلاً این سیاست را با بسیاری از کشورها اجرا کرده است تا از محکوم‌شدن به خاطر نقض شدید حقوق بشر در رفتارشان با اوغورها و مردم سین‌کیانگ جلوگیری کند. و سرانجام خطری که احتمالش اندک است اما بسیار نگران‌کننده است این است که جمهوری خلق چین امکان دارد از بی‌ثباتی در افغانستان به‌عنوان بهانه‌ای برای گسترش قدرت نظامی‌اش در سطح بین‌المللی پس از چندین دهه وقفه، استفاده کند. این سناریو با توجه به سابقه چین در پرهیز از استفاده از قدرت نظامی در خارج از کشور، بعید به نظر می‌رسد اما اگر این سناریو اتفاق بیفتد، چین را به‌عنوان یک قدرت تهاجمی‌تر در عرصه بین‌المللی معرفی خواهد کرد. در حال حاضر، من فکر نمی‌کنم که ایالات متحده دلیلی برای منصرف‌کردن جمهوری خلق چین از تبدیل‌شدن به بازیگر کلیدی‌تر در افغانستان داشته باشد. اما ایالات متحده باید بر مشارکت و اقدامات چین در افغانستان نظارت داشته باشد. ما تنها از روی مشاهده اقدامات بیجینگ در افغانستان می‌توانیم تصویری درباره نقش آینده جمهوری خلق چین در سطح جهانی ترسیم کنیم.

مرسی کو، ستون‌نویس در دیپلمات و معاون اجرایی شرکت **Pamir Consulting LLC** است.

## ساکنان لبه‌ی پرتگاه

سخن‌پرداز هاتف  
تحلیل

افغانستان عملاً بر لبه‌ی پرتگاه رسیده است. آداب تعامل بر لبه‌ی پرتگاه با آداب تعامل در جاهای دیگر فرق می‌کند. اگر حکومت و روشنفکران و گروه‌های سیاسی در چنین موقعیتی نتوانند حداکثر عقلانیت سیاسی را برای نجات کشور به کار ببندند، کشور ما به زودی به اعماق ظلمت سقوط خواهد کرد. برای هر کدام از ما عقلانیت سیاسی فوریت‌های متفاوتی را پیش می‌نهد و به رسمیت شناختن آن فوریت‌ها می‌تواند راهی به چشم‌انداز بهتری بگشاید:

### برای حکومت و رییس‌جمهور

عقلانیت سیاسی در دایره‌ی حکومت فعلی به این معناست که رییس‌جمهور و کابینه و مشاورانش درک کنند که همین اکنون بیش از هر زمان دیگری نیاز به بازسازی اعتماد میان مردم و حکومت است. واقعیت آشکاری است که مردم نسبت به حکومت و قول‌ها و وعده‌های آن کمترین اعتماد را دارند. اما این وضعیت تغییرناپذیر نیست. فعلاً فرصتی پیش آمده که ارکان حکومت، و به‌طور خاص رییس‌جمهور غنی، با گوش دادن به نگرانی‌های شهروندان و تلاش عملی و ملموس برای رفع آن نگرانی‌ها این اعتماد از دست‌رفته را احیا کنند. مردم افغانستان در وضعیت کنونی از حکومت و رییس‌جمهور فقط یک مطالبه‌ی مرکزی دارند و آن تأمین امنیت و سرکوب تروریسم است. رییس‌جمهور اخیراً به مردم گفته است (در مناسبت‌های مختلف)



**شمار کثیری از روشنفکران که اشرف غنی را امید برای برگردن حکومت از اندیشه‌های سیاسی عوامگرایانه می‌پنداشتند و در او تکنوکراتی توسعه‌دان و آشنا با تجربه‌های چند جهان می‌دیدند، در عمل با کسی رویه‌رو شدند که همچنان به تعهدات طایفه‌ای یک جامعه عقب‌مانده وفادار است.**

### برای روشنفکران منتقد حکومت

در ملک ما، نگاه روشنفکران منتقد حکومت به حکومت فعلی در اکثر موارد خصمانه است. این نگاه خصمانه قابل درک هم هست. حکومت اشرف غنی، با وجود شعارهایی که تا کنون در مورد شایسته‌سالاری و عبور از رویکردهای قومی داده، عملاً در اجرای این شعار سخت ناکام بوده است. شمار کثیری از روشنفکران که اشرف غنی را امید برای برگردن حکومت از اندیشه‌های سیاسی عوامگرایانه می‌پنداشتند و در او تکنوکراتی توسعه‌دان و آشنا با تجربه‌های چند جهان می‌دیدند، در عمل با کسی رویه‌رو شدند که همچنان به تعهدات طایفه‌ای یک جامعه عقب‌مانده وفادار است. به همین خاطر، روشنفکران با ناامیدی و خشم بسیار در برابر او ایستادند؛ تا آنجا که خود نیز در جانب مقابل او، در چاله‌ی متناظر ندهای قومی، افتادند.

امروز اما، چنان که گفته شد، کل کشتی در چنگ گردایی وحشتناک افتاده است. عقلانیت سیاسی در این وضعیت می‌طلبد که وقتی رییس‌جمهور به اشتباهات

صورت‌گرفته در گذشته اعتراف می‌کند، روشنفکران منتقد نیز با این تغییر رویکرد با انعطاف بیشتر برخورد کنند. بعضی می‌گویند که رییس‌جمهور عادت به قول دادن و سخنان نیکو راندن و آنگاه به قول خود وفا نکردن دارد. ممکن است چنان باشد. اما در این وضعیت لبه‌ی پرتگاه، می‌توان به خود، به مردم و به حکومت فرصتی داد تا از این فضای عمیقاً آلوده به سوءظن عبور کنیم و چانس تصحیح این وضعیت را بیازماییم. طرح جانشین دیگری که بتواند به صورتی معجز‌آسا و با هزینه‌ی کمتر ما را از این بن‌بست برهاند، فعلاً وجود ندارد.

اگر طالبان جامعه را به‌سوی تباهی خواهند راند، که خواهند راند، و اگر هیچ طرح کارآمد جانشین دیگری برای عبور از این وضعیت وجود ندارد، که ندارد، عقلانیت سیاسی برای مردمی رسیده بر لبه‌ی پرتگاه حکم می‌کند که ابتدا از لبه‌ی همین پرتگاه پس بنشینند. و این ممکن نیست مگر این که همه منطق وضعیت اضطرار را درک کنند و بکوشند (حتاً زاویه‌ی تلاش برای محض بقا) کنار هم بایستند.



فاطمه فرامرز

گزارشگر

این مطلب فشرده‌ی دو مقاله‌ای است که توسط سونیل باستین، پژوهشگر اقتصاد سیاسی سریلانکا تحت عنوان «مذاکرات در دنیای جهانی‌شده» و هریم پیریس، خبرنگار و تحلیلگر سیاسی با عنوان «محدودیت‌های نفوذ خارجی» نوشته و از سوی موسسه تحقیقاتی کانسیلیشن ریسورس به نشر رسیده است. چنانکه از عنوان‌ها پیداست، آقای باستین در مقاله‌اش کوشیده است تا ریشه‌های جنگ، چگونگی روند صلح و دلایل شکست مذاکرات در سریلانکا را به بررسی بگیرد. در همین حال آقای پیریس به سه حوزه‌ی مهم مشارکت بین‌المللی به‌شمول تأثیر نام‌گذاری تروریست‌ها بر بیره‌ای آزادسازی تأمیل ایلام (بیره‌ای تأمیل)، استفاده از کمک‌ها به‌عنوان اهرم و سازماندهی حمایت بین‌المللی در روند صلح سریلانکا می‌پردازد که هر بخش به شرح زیر است:

#### مقدمه

مبارزات برای هویت سیاسی، قومیت و قدرت که تاریخ سیاسی سریلانکا را پس از استقلال مشخص می‌کند، در دهه ۱۹۸۰ سبب وقوع خشونت بین دولت با اکثریت سینال و بیره‌ای آزادی‌بخش تأمیل ایلام که به بیره‌ای تأمیل معروفاند، رخ داد. بیره‌ای تأمیل در مبارزات مسلحانه خود برای ایجاد دولت جداگانه تأمیل در شمال‌شرقی، کنترل بخش مهمی از جزیره را به‌دست گرفت. این جنگ داخلی در سریلانکا منجر به مرگ و میر و آوارگی گسترده شد. ابتکارات صلح در سال‌های ۱۹۸۵، ۱۹۸۷، ۱۹۸۹-۹۰ و ۱۹۹۴-۹۵ نتوانست به موفقیت‌های بینجامد اما روند مذاکرات که در سال ۲۰۰۱ آغاز شد، امیدهای جدیدی برای یک توافق بود.

دولت جدید سریلانکا به رهبری نخست‌وزیر ویکرم‌مازینگ با تسهیل ناروی در فیروی ۲۰۰۲ توافق‌نامه آتش‌بس را با بیره‌ای تأمیل امضا کرد. در ماه سپتامبر آن سال اولین دور مذاکرات در تایلند آغاز شد. مذاکرات بیشتر در فیروی ۲۰۰۳ در برلین آغاز شد و در مارچ در جاپان ادامه یافت. با وجود تمام این تلاش‌ها، اعتماد بین دو طرف به تدریج از بین رفت. توافق‌نامه‌ها اجرایی نشد و نقض آتش‌بس رخ داد.

بیره‌ای تأمیل زمانی‌که نتوانست در ماه اپریل ۲۰۰۳ به‌خاطر داشتن عنوان «تروریست» در یک نشست در واشنگتن شرکت کند، احساس کرد که برای داشتن شریک برابر، در ابعاد بین‌المللی این فرایند سرخورده شده است. کمک‌های مالی برای سازوکارهای مشترک دولت-بیره‌ای تأمیل به این ناامیدی‌ها دامن زد و بیره‌ای تأمیل به‌زودی با شکایت از به‌حاشیه‌راندن مشارکت خود، مذاکرات صلح را متوقف کرد. یک کنفرانس دونه‌را در ماه جون ۲۰۰۳ در توکیو متعهد شد که ۴.۵ میلیارد دالر را در طول چهار سال کمک کنند و قرار شد این کمک‌ها با پیشرفت اساسی و موازی در روند صلح ارتباط تنگاتنگی داشته باشد و براساس ده معیار مورد بررسی قرار گیرد. با این حال، روند صلح از قبل در تنگنا قرار داشت و معیارهای آن کم‌تر رعایت می‌شد. آتش‌بس نزدیک به شش سال ادامه داشت اما تخته‌های روند صلح به‌طور پیوسته از کنار هم جدا می‌شدند. مبارزه بین احزاب سینالی که قبلاً با هم در کنار دولت قرار داشتند، باعث شکست دولت ویکرم‌مازینگ شد. بازیگران بین‌المللی از تحول سیاسی در سریلانکا ناامید شدند، درحالی‌که با کشته‌شدن وزیر خارجه لاکشمین قادرگامار و بسیاری از مخالفان تأمیل و همچنین موضع‌گیری آن در مورد سربازان کودک، انزوای بیره‌ای تأمیل عمیق‌تر شد. در ماه جون ۲۰۰۶ اتحادیه اروپا بیره‌ای تأمیل را یک سازمان ممنوعه اعلام کرد. پس از یک سری تشدیدهای خشونت‌آمیز، سرانجام آتش‌بس توسط دولت سریلانکا در جنوری ۲۰۰۸ لغو شد و در نتیجه ماموریت نظارتی

سریلانکا پایان یافت و مشخص شد که هرچند صداهای ناسیونالیستی خواهان پایان هرگونه دخالت خارجی در مسائل درگیری هستند اما به‌نظر می‌رسید یک روند صلح به‌شدت بین‌المللی شده که نوید اصلاحات اساسی را داده بود، در نهایت بازگشت به جنگ را به تعویق انداخته است.

کشورهای غربی برای مدتی نگرانی خود از تحولات را ابراز می‌کردند اما دولت سریلانکا به دنبال ایجاد روابط جدید با قدرت‌های نوظهور اقتصادی در آسیا، فارغ از شرایط سیاسی بود. بنابراین به نظر می‌رسید وقایع سال‌های پس از آتش‌بس متعلق به دوره‌ای متفاوت است.

آخرین چرخه‌ی مذاکرات بین دولت سریلانکا و بیره‌ای آزادی تأمیل ایلام در سال‌های ۲۰۰۲-۲۰۰۳ و از آن زمان به بعد، «آزمایش در صلح طلبی لیبرال» و «بین‌المللی شدن بیش از حد» روند صلح نام‌گذاری شده است. درک این رویدادها هم در چارچوب بین‌المللی‌سازی و آزادسازی اقتصاد سیاسی سریلانکا در دهه‌های گذشته و هم در رابطه با واکنش استراتژیک دولت به بحران اقتصادی که در آن به وجود آمده است، بسیار مهم بوده است. رویدادها به‌عنوان یک «روند صلح» و -فرض بر این‌که آنچه اتفاق افتاده است، می‌تواند در رابطه با یک مدل ایده‌آل از روند صلح ارزیابی شود- امکان این برداشت را میسر می‌کند که آنچه اتفاق افتاده و نتایج پس از آن را باید به خوبی فهمید.

نخبگان سیاسی سریلانکا از اواخر دهه ۱۹۷۰ به دنبال تغییر شکل جامعه، طراحی مجدد نهادهای سیاسی و حرکت به سمت سیاست‌های اقتصادی لیبرال بازار محور بودند. با حمایت مادی و ایدئولوژیکی غرب توسعه یافته و جاپان، سریلانکا در فرایندهای جهانی شدن ادغام شد. اما تا سال ۲۰۰۰ مدل آزاد شده جامعه سریلانکا دچار بحران شد. سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ با یک بحران اقتصادی جدی ناشی از تأثیرات رکود جهانی، خشک‌سالی شدید و استراتژی نظامی دولت «جنگ برای صلح» مشخص شد. همچنین درک بیرونی از بحران وجود داشت؛ جنگ جاری برای معماری امنیتی پس از جنگ سرد مشکل ساز بود که در آن دولتی که تا حدی تحت کنترل یک گروه مسلح و منبع نامنی جهانی بود.

#### بین‌المللی‌سازی و مذاکره

در چارچوب این بحران بود که دولت حزب اتحاد مردم از بازیگران خارجی که بخشی جدایی‌ناپذیر از اقتصاد سیاسی سریلانکا شده بودند، کمک گرفت. در فیروی ۲۰۰۰ از دولت ناروی دعوت شد تا تسهیل‌کننده‌ی مذاکرات بین دولت سریلانکا و بیره‌ای تأمیل باشد. صندوق بین‌المللی پول با توافق ۵۳۰ میلیون دالری که در اپریل ۲۰۰۱ اعلام شد، موافقت کرد که در ازای آن دولت سریلانکا باید اصلاحات مختلفی را انجام می‌داد.

با این حال، شکوفایی کامل استراتژی برای تثبیت سریلانکا و ادامه اصلاحات اقتصادی لیبرال پس از شکست دولت اتحاد مردم در انتخابات پارلمانی دسامبر ۲۰۰۱، توسط جبهه متحد ملی به رهبری ویکرم‌مازینگ صورت گرفت. استراتژی دولت جبهه متحد ملی - که به‌طور مشترک با بازیگران خارجی تدوین شده و به شدت توسط سازمان‌های مدنی با بودجه خارجی حمایت می‌شد - شامل سه عنصر بود:

- برنامه گسترده اصلاحات اقتصادی لیبرال، شامل بسیاری از عناصری که آژانس‌هایی مانند بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، بانک توسعه آسیایی و دیگر کمک‌کنندگان مدت‌ها خواستار آن بودند، به دولت این امکان را می‌داد تا بودجه قابل توجهی را از این آژانس‌ها تأمین کند؛
- امضای توافق‌نامه آتش‌بس که تشخیص می‌داد دو ارتش در این کشور مناطق مختلف این سرزمین را کنترل می‌کنند و باید مذاکرات با بیره‌ای تأمیل آغاز شود؛

- چارچوبی برای نهادینه سازی نقش بازیگران خارجی در فرایند مذاکره، که ناروی، ایالات متحده، اتحادیه اروپا و جاپان را به‌عنوان هم سرپرست به همراه داشت و مأموریتی برای نظارت بر آتش‌بس داشت؛

مذاکرات مستقیم بین رژیم جبهه متحد ملی و بیره‌ای تأمیل شامل شش جلسه بین سپتامبر ۲۰۰۲ تا مارچ ۲۰۰۳ بود که مهم‌ترین دست‌آورد آن بیانیه دسامبر ۲۰۰۲ مبنی بر توافق دو طرف برای یافتن راه‌حلی در مورد درگیری در چارچوب فدرال بود. با این حال، بیره‌ای تأمیل از مذاکرات مستقیم در اپریل ۲۰۰۳ خارج شد زیرا آن‌ها به جلسه‌ای در واشنگتن دعوت نشدند تا آمادگی خود را برای یک نشست بسیار بزرگ‌تر از کمک‌کنندگان که قرار بود در ماه جون آن سال در توکیو برگزار شود، اعلام کند.

از این نقطه به بعد مذاکرات غیرمستقیم صورت گرفت. یکی از نتایج مهم فرایند اخیر، پیشنهاد بیره‌ای تأمیل برای ایجاد یک نهاد موقت خودگردان بود. این امر دارای عناصری بود که بسیار فراتر از چارچوب فدرال ذکر شده در بیانیه دسامبر ۲۰۰۲ بود و در مورد تعهد بیره‌ای تأمیل به یک چارچوب فدرال تردید ایجاد می‌کرد. برخی از سازوکارهای دیگر که طی مذاکرات مستقیم برای مراقبت از جنبه‌هایی مانند توان‌بخشی و مدیریت مسائل امنیتی ایجاد

نمایندگی می‌شد، در نظر نگرفت. مدیریت این‌ها برای برخورد با روابط بین تأمیل‌های سریلانکا و دولت ضروری بود. استراتژی جبهه متحد ملی در شرایطی اجرا شد که دو حزب اصلی بخش‌های مختلف دستگاه سیاسی را کنترل کرده و رقابت خود را در ساختار دولتی نهادینه کرده بودند. عدم مدیریت روابط بین احزاب سینالی تناقضی بود که در نهایت منجر به برکناری دولت جبهه متحد ملی توسط رییس اتحاد مردم شد. توافق‌نامه آتش‌بس با در نظر گرفتن روابط بین رژیم بیره‌ای تأمیل و رژیم ویکرم‌مازینگ یک درگیری پیچیده را به نحوی ساده کرد. این امر جایی برای در نظر گرفتن پیچیدگی‌هایی که درگیری از این نوع مستلزم آن است، باقی نگذاشت.

دوم؛ دولت جبهه متحد ملی متحمل پیامدهای سیاسی از اصلاحات اقتصادی خود شد. استراتژی دولت جبهه متحد ملی این تصور را ایجاد نمی‌کرد که از مسائل اجتماعی کشوری دچار بحران اقتصادی شده است آگاه است، بلکه بیشتر به دنبال ثبات کشور از طریق امتیاز دهی به بیره‌ای تأمیل است تا اصلاحات اقتصادی،- تصویری که به شکست انتخاباتی کمک کرد.

سوم؛ بیره‌ای تأمیل دریافت که نمی‌تواند بعد بین‌المللی استراتژی را مدیریت کند. در ابتدا از فرصت برای به رسمیت شناخته شدن بیشتر بین‌المللی که مشارکت

# بین‌المللی‌سازی مذاکرات صلح

بازیگران خارجی نسبت به طرفین درگیری وجود نداشت. در میان سیاست‌های متنوع و مواضع سیاست خارجی آن‌ها، دو دیدگاه وسیع سیاست را می‌توان مشخص کرد. اولین مورد در توافق‌نامه آتش‌بس منعکس می‌شود؛ حضور دو ارتش در کشور و کنترل قلمرو توسط این ارتش‌ها و نیاز به برخورد یک‌سان با این دو طرف و پیشبرد مذاکرات را می‌پذیرد. یک فرض اساسی در مورد این موقعیت، رابطه بین بیره‌ای تأمیل و دولت را به‌عنوان اصلی‌ترین مساله‌ای که باید در حل منازعات بر آن تمرکز کند، برتری می‌بخشد. موقعیت اولیه دیدگاه دوم، ثبات و امنیت دولت سریلانکا است که در معماری امنیتی پس از جنگ سرد بخشی از امنیت کل منطقه جنوب آسیا است. این موضع به‌طور ضمنی امکان مذاکره با بیره‌ای تأمیل را می‌پذیرد که در نهایت منجر به خلع سلاح آن‌ها می‌شود اما تصور نمی‌کند که با یک گروه مسلح هم‌طرز با یک دولت رفتار کند. این واقعیت که دولت سریلانکا به‌طور گسترده‌ای از مدل اقتصادی لیبرال پیروی می‌کند و با منافع غرب در تضاد نیست، در تدوین این موضع در نظر گرفته شده است. از این‌رو این استراتژی عبارت بود از تحت فشار قرار دادن، تشویق و حمایت -و نه بدون قید و شرط- دولت سریلانکا برای حل درگیری. اگر جنگ داخلی به حدی بدتر می‌شد که



**آنچه در نهایت از اهمیت اولیه در روند صلح برخوردار است، تعامل و رابطه بین طرفین درگیری است، نه لزوماً رابطه بین طرفین و دولت‌ها یا سازمان‌های خارجی. برای ایجاد سطح اعتماد مورد نیاز برای مذاکره در خصوص یک راه حل سیاسی پایدار، روند صلح باید بر ایجاد گام‌های کوچک قابل اندازه‌گیری از توافق متقابل بین طرفین متمرکز شود که باعث ایجاد اعتماد به نفس برای حرکت در مسائل بزرگ‌تر می‌شود.**

شده بود، دست‌آورد چندانی نداشت. شکست در انتخابات پارلمانی اپریل ۲۰۰۴ پایان استراتژی حزب جبهه متحد ملی بود. در دسامبر ۲۰۰۵، ویکرم‌مازینگ با اختلاف کمی در انتخابات ریاست جمهوری شکست خورد. بیره‌ای تأمیل - که تا آن زمان معتقد بود احیای استراتژی جبهه متحد ملی با حمایت بین‌المللی این کشور را در موقعیت دشواری قرار می‌دهد - با فشار مستقیم و غیر مستقیم بر مردم در شمال در راستای رای ندادن به این نتیجه کمک کرد. ماهیندا راجاپاکس، برنده‌ی انتخابات با احزاب سیاسی نماینده جریان‌ات شدیدتر ناسیونالیسم سینالی وارد یک ائتلاف شد. همان‌طور که بسیاری‌ها انتظار داشتند، این تحولات سیاسی علامتی برای دور دیگری از جنگ بود.

#### توضیح سقوط استراتژی

چهار عامل را می‌توان برای توضیح سقوط استراتژی جبهه متحد ملی برجسته کرد: یکم؛ این استراتژی نبردهای سیاسی درون جامعه سینال را که از سوی دو حزب اصلی

بین‌المللی را به همراه داشت، استقبال کرده بود. علاوه بر این، توافق‌نامه آتش‌بس به این گروه این امکان را داد که در حین حمل سلاح به فعالیت‌های سیاسی حتا در مناطق تحت کنترل دولت بپردازد و در مناطق جدید -به‌ویژه در ایالت‌های شرقی- گسترش یابد و عرضه تسلیحات خود را افزایش دهد. همچنین از موقعیت ممتازی که توافق‌نامه برای ادامه خلاص شدن از شر هرگونه مخالفت در جامعه تأمیل استفاده می‌کرد، استفاده کرد. اما بیره‌ای تأمیل به حمایت بین‌المللی که دولت با شک و تردید دریافت می‌کرد، نگاه کرد و آن را «شبکه ایمنی بین‌المللی دولت» نامید. در جنبه اقتصادی این امر باعث افزایش ظرفیت دولت سریلانکا شد، درحالی‌که نهادینه شدن نقش بازیگران خارجی در فرایند مذاکره به‌عنوان تلاشی برای کشاندن آن‌ها در موقعیتی تلقی می‌شد که فضای بسیار کمی برای مانور آن‌ها وجود داشت. امتناع دولت آمریکا از دعوت بیره‌ای تأمیل به واشنگتن این ترس‌ها را تأیید می‌کرد. سرانجام، هیچ رویکرد منسجمی در بین



سریلانکا به منبع اصلی بی‌ثباتی تبدیل شود یا سیاست‌های خارجی یا اقتصادی آن به طور قابل توجهی تغییر کند، این نگرش می‌توانست تغییر کند. دوره مذاکرات بین بیره‌ای تأمیل و دولت سریلانکا با وجود هر دو گرایش مشخص شد. این امر منجر به ایجاد موقعیت‌های متفاوت و متغیر در بین بازیگران بین‌المللی شد. گاهی اوقات در داخل یک کشور با وقوع حوادث، تأکید تغییر می‌کرد. به‌عنوان مثال ناروی در تمام طول مدت به موضع بیره‌ای تأمیل و دولت سریلانکا با یکدیگر پایبند بود. جاپان اوایل موضع مشابهی داشت اما پس از پایان مذاکرات، این کشور به موقعیت معمول خود رسید و از طریق کمک به دولت سریلانکا «پشتیبانی نرم» ارائه کرد. از همان ابتدا نگرانی ایالات متحده امنیت دولت سریلانکا بود که برای سیاست آمریکا بخشی از امنیت منطقه‌ای جنوب آسیا است. در این چارچوب، ایالات متحده از مذاکرات حمایت کرد اما وقتی بیره‌ای تأمیل از مرز عبور کرد، از حمایت شدید دولت سریلانکا دریغ نکرد.



## آموزش در حبس

کار می‌کنیم و ساعت ما هم تیر می‌شود و هم پولی برای خود پیدا می‌کنیم.»

عبدالکریم به جرم یک رویداد ترافیکی به سه سال زندان محکوم شده و تا حالا یک سال را سپری کرده است. او نیز مانند بسیاری از زندانیان جوان، امید دارد که با رهایی از زندان، زندگی مشترک شکل بدهد و با خیاطی چرخ زندگی‌اش را به چرخش بیندازد.

### آموزش حرفه

بر بنیاد آمار مسئولان زندان مرکزی هرات، بیش از دو هزار زندانی در این زندان دوران حبس‌شان را سپری می‌کنند، اما ملحق‌شدن به مرکز فن و حرفه مشروط بر تخطی‌نکردن در زندان است. هم اکنون بین ۵۰ تا ۶۰ زندانی مصروف آموزش در این مرکز هستند.

زندانیان در بخش‌های حکاکی، نجاری، خیاطی، تسبیح‌سازی، مهره‌بافی، فلزکاری، شیرینی‌پزی و چندین حرفه دیگر مصروف آموزش هستند. محبوب‌شاه پژمان، سرپرست مرکز فن و حرفه زندان مرکزی هرات می‌گوید که تنها دلیل فعال بودن مرکز آموزش فن و حرفه برنگشتن زندانیان به زندگی جرمی است: «هدف آموزش حرفه در زندان این است که شغل یاد بگیرند و وقتی به کانون گرم خانواده برگردند، دوباره مجبور نشوند، به‌خاطر بیکاری مرتکب جرم شوند.»

او معتقد است که زندانیان در مرکز فن و حرفه از ارتکاب جرم پشیمانی می‌کنند و این باعث می‌شود که به افراد سالم در جامعه مبدل گردند. مرکز فن و حرفه زندان مرکزی هرات برای هر زندانی که بتواند دوره‌های فن و حرفه را آموزش بدهد، کارگاه می‌سازد.

### در انتظار فروش

وسایلی که در بخش فن و حرفه زندان مرکزی هرات ساخته می‌شود، هفته دو روز در داخل این زندان برای ملاقات‌کنندگان زندانیان به هدف فروش به نمایش گذاشته

واجد روحانی - هرات

گزارشگر

در سایه‌ی حملات طالبان به شهرهای بزرگ افغانستان و رها کردن زندانیان، اما در زندان مرکزی هرات ده‌ها زندانی در بخش «فن و حرفه» برای زندگی فارغ از جرم تلاش می‌کنند. بسیاری از این زندانیان، به‌دلیل مهارت نداشتن در یک حرفه، مجبور شدند که به کارهای خلاف قانون روی بیاورند و حالا تاوان اشتباه‌شان را با سپری کردن حبس پس می‌دهند.

این زندانیان در زیر یک هنگر کلان، روزانه هشت ساعت کار می‌کنند و آموزش فن و حرفه در آن‌جا، سختی زندان را نسبت به سلول‌ها کمتر می‌کند.

جاوید با دقت در حال برش سنگ‌ها برای ساخت تسبیح است. او ۳۳ سال دارد و به جرم قتل به ۱۶ سال زندان محکوم شده و حالا هفت سال را سپری کرده است. سه سال می‌شود که جاوید در بخش فن و حرفه زندان هرات مصروف است و حالا به یکی از استادان چیره‌دست در بخش ساخت تسبیح مبدل شده است.

این زندانی برای زندگی بهتر و فرار از تنهایی سلول‌های زندان به مرکز فن و حرفه زندان مرکزی هرات پناه برده و حالا با کار در این بخش، بخشی از مصارف خانواده‌اش را در بیرون از زندان تأمین می‌کند. هرچند عاید ماهوارش کمتر از سه‌هزار افغانی است،

اما از هیچ، بهتر است: «وقتی در بخش فن و حرفه کار می‌کنم، ساعت من تیر می‌شود و خیلی خوشحالم که این‌جا کار می‌کنم. وقتی آمده بودم، این‌جا از ساخت تسبیح هیچ نمی‌دانستم، اما حالا با تمام وسایل برش سنگ آشنا شدم.»

جاوید رویای ختم دوران زندانش را در سر می‌پروراند تا بتواند که زندگی‌اش را از نو بسازد و ازدواج کند. او با قاطعیت اطمینان می‌دهد که هیچ‌گاهی به زندگی جرمی برنمی‌گردد و با این زندگی وداع کرده است.



**سرپرست مرکز فن و حرفه زندان مرکزی هرات می‌گوید که تنها دلیل فعال بودن مرکز آموزش فن و حرفه برنگشتن زندانیان به زندگی جرمی است: «هدف آموزش حرفه در زندان این است که شغل یاد بگیرند و وقتی به کانون گرم خانواده برگردند، دوباره مجبور نشوند، به‌خاطر بیکاری مرتکب جرم شوند.»**



ETILAATROZ

### آموزش به امید زندگی بهتر

عبدالهادی مصروف ساخت یک کشتی تزئینی است. او یکی از سابقه‌دارترین افراد در بخش کارگاه فن و حرفه در زندان مرکزی هرات است. براساس روایت وی، تاکنون ۲۰ شاگرد را آموزش داده و آنان پس از رهایی از زندان، مصروف پیکار کردن لقمه نان حلال برای خانواده‌های‌شان شده‌اند.

عبدالهادی به جرم قتل به ۱۶ سال زندان محکوم است و تا حالا هفت سال را سپری کرده است. او تأکید می‌کند که همچنان به آموزش زندانیان ادامه خواهد داد تا بیکاری بار دیگر آنان را به سمت زندان نکشاند.

او از مسئولان زندان مرکزی هرات می‌خواهد که ظرفیت جذب زندانیان در مرکز فن و حرفه را بیشتر فراهم کنند تا وقت زندانیان در زندان با بیکاری تلف نشود: «کسانی که این‌جا می‌آیند، در اول هیچ چیز یاد ندارند، اما پس از شش ماه به کار کاسب می‌شوند و می‌توانم به خود کار کنند.»

به گفته‌ی او، هر کشتی تزئینی تا ۲۰۰ افغانی ارزش دارد و این پول خوبی برای یک زندانی در روز است.

عبدالکریم ۲۷ ساله مصروف اتو کردن لباس در مرکز فن و حرفه زندان مرکزی هرات است. او با پشتکاری که داشته توانسته در مدت شش ماه به خیاط ماهر مبدل شود. او برخلاف روزهای نخست‌اش در زندان با کار در مرکز فن و حرفه، خوشحال است و حالا از گوشه‌تنهایی نیز بیرون شده است: «از این‌که بیکار در زندان باشیم، خوب است که این‌جا

درحالی‌که دولت سریلانکا مشتاق اعلام سود زیاد از صلح بود و از کمک به‌عنوان ترکیبی از پاداش و مجازات استفاده می‌کرد، تلاش برای استفاده از مشروطیت اقتصادی برای دستیابی به امتیازات سیاسی در روند صلح اندیشیده نشد. سرمایه‌گذاری متعهد شده‌ی ۴.۵ میلیارد دلاری آمریکا طی چهار سال بیش از میانگین سالانه یک میلیارد دالر به‌عنوان کمک توسعه‌ای -تقریباً به‌صورت وام‌های قابل بازپرداخت در مقابل کمک‌هایی که بلاعوض است- بود. تعهدات دوتران که تا حد زیادی تعهدات قبلی را تکرار می‌کرد، عمدتاً از سوی آژانس‌های وام دهنده‌ی چند جانبه که بدون توجه به پیشرفت در روند صلح، وجوه را مطابق با پیمان‌های وام پروژه اختصاص داده، پرداخت کردند. علاوه بر این، تنها بخشی از این کمک‌ها برای مناطق آسیب دیده از درگیری تعیین شده بود.

با فروپاشی روند صلح از سال ۲۰۰۵، بسیاری از کشورهای غربی به‌دنبال کاهش یا قطع کمک‌ها و پایان همکاری با سریلانکا بودند و دولت کنونی و نیروهای ناسیونالیست سینال، عدم مشارکت کشورهای غربی را موجب ناراحتی کافی برای ایجاد اصلاحات در نظر گرفتند. درعین حال عدم مشارکت بخش‌هایی از جامعه بین‌المللی متعهد به حل و فصل مذاکره، دامنه نفوذ آن‌ها را کاهش می‌داد. یک اروپای غیرفعال نفوذ ناوری را تضعیف می‌کرد. کاهش بودجه کمک‌های توسعه‌ای و عدم مشارکت اقتصادی و تجاری قوی در سریلانکا، اهرم‌های نسبتاً کمی برای نفوذ به اروپا می‌داد. اظهارات انتقادی به جز تغییرات سیاست سیگنالینگ وزن کمی داشت. با توجه به این‌که سریلانکا در صفحه رادار رهبری عالی رتبه سیاسی اتحادیه اروپا قرار نگرفت، این بود که سیاست آن در مورد درگیری‌های سریلانکا کم‌تر هماهنگ و واکنش پذیرتر بود.

### پشتیبانی سازمان‌یافته و منسجم

روسای جمهور کشورهای ناروی، ایالات متحده، ژاپن و اتحادیه اروپا در موقعیتی قرار داشتند که نقش‌های باز و کاملاً مکمل خود را ایفا کنند، اگرچه عدم وجود اجماع بین‌المللی واقعی در مورد سریلانکا گاهی منجر به عدم هماهنگی بین آن‌ها می‌شد. عدم تمایل هند برای انتقال از نقش غیر رسمی «پشت پرده» به نقشی بیشتر، ضعف واقعی در تلاش برای سازماندهی حمایت بین‌المللی از روند صلح بود. منافع استراتژیک و مستحکم هند در سریلانکا، از جمله تأثیر سیاست سریلانکا بر سیاست تأمیل نادو، نقش مهمی در ایفای آن داشت. تعداد فزاینده‌ای از بازیگران سریلانکایی ارزش نقش فعال‌تر هند را تشخیص می‌دادند. با توجه به حساسیت‌های هندی‌ها، آن‌ها از نقش مستقیم اجتناب می‌کردند و تسهیل کنندگان نارویژی می‌توانستند با استفاده از اقتدار قابل توجه هند در پشت صحنه، اجماع کافی و تاکتیکی معتبری را ایجاد کنند که در درجه اول بر حصول اطمینان از ایجاد اجماع بین‌المللی در زمینه خطوط شهرک تمرکز کند. سپس در یک نقشه راه احتمالی - ابزارهای رسیدن به راه‌حل مورد نظر را بررسی کنند.

### نتیجه‌گیری

بازیگران بین‌المللی می‌توانند ضمن انتقاد از نقض حقوق بشر و دهشت‌افگنی، از حل اختلافات حمایت کرده و طرفین را به میز مذاکره تشویق کنند. روند صلح مبتنی بر تعهد به ارزش‌های دموکراسی، تکرار، حقوق بشر و کرامت برای دوام این روند، پایداری حل و فصل و مشروطیت سیاسی سازش‌های مورد نیاز در این راه بسیار مهم است. تعهد بازیگران خارجی به چنین فرآیندهای مبتنی بر ارزش، شاید الگوهای مهمی را فراهم کند که خارج از آن‌ها طرفین با انزوای جدی روبه‌رو هستند. آن‌ها به‌جای تلاش برای تحمیل یا القای برخی نتایج، باید رویکردی فرایندگرا برای تغییر در درگیری را تشویق کنند که نه تنها بر راه‌حل نهایی بلکه بر پویایی‌های سیاسی مورد نیاز برای رسیدن به هدف و آنچه برای دست‌یابی به این پویایی‌های سیاسی لازم است، متمرکز شود.

### محدودیت‌های نفوذ خارجی در روند صلح سریلانکا

ابزارهای سیاسی مبتنی بر مشوق‌ها، تحریم‌ها و مشروط شدن در هر جنبه‌ای از سیاست خارجی مورد استفاده قرار می‌گیرد و کاربرد موثر آن احتمالاً می‌تواند در فرایندهای تغییر منازعه نیز گسترش یابد. دخالت شخص ثالث در روند صلح اغلب برای رفع عدم اعتماد متقابل طرفین و ناتوانی در پیشرفت به‌سوی مذاکره مورد نیاز است. با این حال، همان‌طور که تجربه سریلانکا نشان می‌دهد، نمی‌شود که ابزارهای تحریک و فشار سیاست خارجی بیش از حد تأثیر محدودی در حل این مشکلات داشته باشند. ممکن است از انگیزه‌ها برای کمک به ایجاد اعتماد و تشویق فرایندی مبتنی بر ارزش‌های خاص استفاده شود و اجماع بین‌المللی منسجم -از جمله قدرت‌های منطقه‌ای- در مورد چگونگی حمایت از طرفین در جهت دستیابی به گام‌های حل و فصل ضروری است. اما تحقق فشار خارجی و تنظیم شرایط دشوار است و لزوماً از توسعه اساسی اعتماد و اطمینان بین طرفین درگیری حمایت نمی‌کند، بلکه در نهایت باید مسئولیت تغییرات خود را بر عهده بگیرند.

### فرایندهای صلح و تروریسم

ببرهای تأمیل ادعا می‌کرد که در طول روند صلح با آنان برخورد برابر نشده است اما رویکردهای متفاوتی در بین بازیگران بین‌المللی در زمینه برخورد برابر وجود دارد. ناروی به‌عنوان تسهیل‌کننده و سرپرست مأموریت نظارتی همواره تلاش کرده می‌کرد که بی‌طرف باشد و رفتار برابر با طرفین در چارچوب روند صلح را حفظ کند و به دنبال تأثیرگذاری بر هر کدام برای سازش‌های مورد نیاز برای پیشرفت بوده است، حتی اگر آن‌ها انتقاد ناسیونالیست‌های تأمیل و سینال را به‌طور یکسان بر می‌انگیخت. اما بسیاری از کشورهای دیگر ببرهای تأمیل را به‌عنوان یک سازمان تروریستی ممنوعه معرفی کرده بودند و یک دولت در جریان سیاست خارجی خود با یک سازمان تروریستی به سادگی و برابری یک دولت دموکراتیک مستقل برخورد نمی‌کند.

درحالی‌که برخی از ابزارهای سیاست بر نتایج فرایند صلح متمرکز هستند، نام تروریستی نیز هنجارهای پذیرفته‌شده بین‌المللی رفتار متدمن مانند دموکراسی، عدم به‌کارگیری کودکان در جنگ، هنجارهای بشردوستانه و حقوق بشر را منعکس می‌کند. هنگامی که تأثیر نام تروریستی بر روند صلح را در نظر می‌گیریم، باید اقداماتی را که به این نام‌گذاری کمک می‌کند، بشناسیم. تحول دموکراتیک در ببرهای تأمیل با سرعتی کندتر از آنچه که بسیاری از کشورها انتظار داشتند یا پیش بینی شده بود، رخ داده است. ارتش جمهوری‌خواه ایرلند و سازمان آزادی‌بخش فلسطین قبل از حل و فصل از یک گروه تروریستی به یک بازیگر سیاسی تبدیل شدند و بخشی از روند صلح سیاسی در حال انجام بودند. از سوی دیگر، ببرهای تأمیل ترجیح می‌داد که در درجه اول یک سازمان نظامی باقی بماند و عدم پیشرفت در روند صلح مانع از آن شد که ببرهای تأمیل به‌عنوان یک بازیگر قانونی و شریک روند صلح توسط جامعه بین‌المللی شناخته شود.

آنچه در نهایت از اهمیت اولیه در روند صلح برخوردار است، تعامل و رابطه بین طرفین درگیری است، نه لزوماً رابطه بین طرفین و دولت‌ها یا سازمان‌های خارجی. برای ایجاد سطح اعتماد مورد نیاز برای مذاکره در خصوص یک راه حل سیاسی پایدار، روند صلح باید بر ایجاد گام‌های کوچک قابل اندازه‌گیری از توافق متقابل بین طرفین متمرکز شود که باعث ایجاد اعتماد به نفس برای حرکت در مسائل بزرگ‌تر می‌شود.

### کمک به مباحثه‌ی پاداش و مجازات

آزمایش‌های مشروط شدن کمک‌ها - پیوند کمک‌ها با پیشرفت در روند صلح - در سریلانکا کاملاً معتبر تلقی نشده و در نهایت بی‌نتیجه بوده است. کنفرانس دونران توکیو در جون ۲۰۰۳ تأثیر چندانی نداشت.



## نخست‌وزیر اسرائیل خواهان اقدام علیه ایران شد

اطلاعات روز: نفتالی بنت، نخست‌وزیر اسرائیل با استقبال از موضع گیری گروه ۷ در رابطه با حمله به کشتی مرسر استریت در نزدیکی آب های عمان، خواهان اقدام علیه ایران شده است.

به گزارش بی بی سی فارسی، آقای بنت که یکشنبه در جلسه کابینه اسرائیل صحبت می کرد، از نتیجه تحقیقات ارتش امریکا درباره این حمله از جمله کشف قطعاتی که گفته شده به پهپادهای ایران تعلق دارد، ابراز رضایت کرد.

آقای بنت گفت: «آزمون امروز در عمل کردن است، نه در صدور بیانیه.»

وزیران امور خارجه گروه ۷ روز جمعه با صدور بیانیه ای، ایران را به حمله پهپادی به کشتی مرسر استریت که تحت مدیریت یک میلیارد اسرائیلی است، متهم کرد.

در این بیانیه ایران همچنین به ایجاد خطر برای امنیت بین المللی متهم شده است.

سناد فرماندهی مرکزی امریکا در خاورمیانه و آسیای میانه، سنسنگام هم روز جمعه با انتشار نتیجه تحقیقاتش، ایران را به دست داشتن در این حمله متهم کرده بود.

دو نفر از خدمه بریتانیایی و رومانیایی این کشتی در این حمله کشته شدند.

ایران دست داشتن در این حمله را رد کرده و اسناد منتشر شده را «جعلی» خوانده است.

نفتالی بنت همچنین از دولت و ارتش لبنان خواست تا مانع از حملات راکتی از خاک این کشور علیه اسرائیل شوند.

اطلاعات روز: یک تیم از نیروهای ویژه بریتانیا روز شنبه ۱۶ اسد / ۷ آگست وارد یمن شده تا نیروهای متهم به حمله هفته گذشته به یک نفتکش اسرائیلی در دریای عمان را مورد تعقیب قرار دهد.

به گزارش رادیو زمانه، دلی اکسپرس گزارش کرده این تیم متشکل از ۴۰ نیروی ویژه است که می‌تواند مکالمات و امواج رادیویی را ردیابی کند.

اعتقاد بر این است که شورشیان حوثی مورد حمایت ایران این حمله را به دستور تهران انجام داده‌اند. وزیران خارجه کشورهای گروه ۷ در بیانیه‌ای ایران را تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی دانسته و گفتند همه شواهد موجود نشان می‌دهد که حمله هفته گذشته به نفتکش «مرسر استریت» کار ایران بوده است. فرماندهی مرکزی امریکا (سنسنگام) نیز مدارک خود مبنی بر ایرانی بودن پهپاد انتحاری در این حمله را منتشر کرد.

ژنرال نیک کارتر، فرمانده نیروهای مسلح بریتانیا، خواستار انتقام غرب از این حمله شده است. این حمله باعث کشته شدن آدریان آندروود، سرباز سابق بریتانیایی شده که در شرکت امری در بریتانیا برای تأمین امنیت کشتی کار می‌کرد. کاپیتان رومانیایی این نفتکش هم کشته شده است.

نیک کارتر گفته: «آنچه ما باید انجام دهیم این است که ایران را به دلیل رفتارهای بسیار بی‌پروایش بازخواست

## نیروهای ویژه بریتانیا در جست‌وجوی عوامل حمله به نفتکش مرسر استریت



کنیم.»

گفته می‌شود که نیروهای ویژه بریتانیایی در فرودگاه الغیضه در استان مهره فرود آمده و با کمک نیروهای محلی که با منطقه آشنا بودند، به تعقیب نیروهای حوثی پرداختند. این تیم همچنین شامل یک واحد جنگ الکترونیکی تخصصی است که می‌تواند منابع مکالمات و امواج رادیویی را برای جمع‌آوری اطلاعات به کار گیرد.

بیم آن می‌رود که تهران باز هم هواپیمای بدون سرنشین دوربرد (UAV) را برای شبه‌نظامیان فراهم کند تا کشتی‌های تجاری بین‌المللی را در برخی از شلوغ‌ترین خطوط کشتیرانی جهان تهدید کنند.

نهادهای اطلاعات امریکا و اسرائیل معتقدند این

پهپاد از شرق یمن پرتاب شده و قبل از اینکه اپراتور کنترل مسافت پایانی را در دست بگیرد و موشک را از طریق دوربین به داخل پل کشتی هدایت کند، توسط رهیاب (جی پی اس) به سمت نفتکش هدایت شده است.

این حمله ۸ اسد / ۳۰ جولای در ۱۵۲ مایلی دریایی، در شمال شرقی بندر دوقم عمان رخ داد.

تیم ویژه بریتانیا با نیروی عملیات ویژه ایالات متحده که قبلاً در منطقه حضور داشت همکاری می‌کند و به آموزش یک واحد کماندوی سعودی کمک می‌کند.

بریتانیا، امریکا و اسرائیل، ایران را به حمله به مرسر استریت متهم کرده‌اند، هرچند ایران دخالت خود را در این حمله رد می‌کند.

مأموریت بریتانیا پیامی به ایران است که بریتانیا چنین حملاتی را در آب‌های بین‌المللی تحمل نخواهد کرد.

یائیر لاپید، وزیر خارجه اسرائیل که گفته بود در تماس مداوم با همتای بریتانیایی خود دومینیک راب است، گفته: «راب به ضرورت واکنش شدید توجه کرد.»

یک منبع ارشد نظامی بریتانیا شب گذشته گفت: «همه چیز نشان می‌دهد که هواپیمای بدون سرنشین از یمن پرتاب شده است. نگرانی در حال حاضر این است که یک پهپاد دور پرواز، قابلیت جدیدی به آنها بدهد.»

## افزایش ۳۰۰ درصدی سود شرکت نفت آرامکو عربستان



در جهان سرعت گرفته، ما با استقامت و انعطاف بیشتری وارد نیمه دوم سال ۲۰۲۱ می‌شویم.»

آرامکو یکی دیگر از شرکت‌های بزرگ انرژی است که در هفته‌های اخیر نتایج قوی را گزارش کرده است.

ماه گذشته شرکت انرژی «کسون موبیل» امریکا از افزایش ۷/۴ میلیارد دلاری درآمد خود در سه ماهه دوم سال خبر داد، در حالی که این شرکت در همین دوره در سال گذشته، یک میلیارد دالر ضرر داده بود.

شرکت «رویال داچ شل»، رقیب اروپایی آنها هم خبر از بالاترین سود سه ماهه خود در بیش از دو سال داده است.

در پی کاهش محدودیت‌های مرتبط با کرونا و شروع فعالیت‌های اقتصادی، تقاضای جهانی نفت رو به افزایش است که منجر به افزایش قیمت نفت شده است.

پس از توافق سازمان کشورهای صادرکننده نفت و متحدانش، گروه موسوم به اوپک پلاس، برای کاهش تولید نفت خود، قیمت نفت خام برنت هم به حدود ۷۰ دالر در بشکه افزایش یافت.

با این وجود، افزایش قیمت نفت خام بر رانندگان تاثیر

اطلاعات روز: سود آرامکو، شرکت ملی نفت عربستان، در پی افزایش قیمت نفت ناشی از بالا رفتن تقاضا، حدود چهار برابر شده است.

به نقل از بی بی سی فارسی، آرامکو گفته است که کاهش محدودیت‌های مرتبط با کرونا، افزایش واکسیناسیون و همین طور اقدامات حمایتی دولتی برای کمک به فعالیت‌های اقتصادی و جبران خسارت‌های ناشی از همه‌گیری، منجر به این سوددهی شده است.

از ابتدای سال جاری میلادی، قیمت نفت خام در بازارهای جهانی حدود ۳۰ درصد افزایش داشته است.

مدیرعامل آرامکو همچنین برای بقیه سال ۲۰۲۱ ارزیابی مثبتی کرده است.

آرامکو که بزرگترین شرکت تولیدکننده نفت در جهان است، می‌گوید که درآمد خالص این شرکت در سه ماهه دوم سال جاری میلادی با ۲۸۸ درصد افزایش به ۵/۲۵ میلیارد دالر رسیده است.

امین ناصر، مدیرعامل این شرکت، در بیانیه‌ای گفت: «نتایج سه ماهه دوم ما بازتاب بازگشت قوی تقاضای انرژی در سراسر جهان است و در حالی که روند بهبود اقتصادی



آقای بنت گفت صرف نظر از فلسطینی بودن یا لبنانی بودن حمله کنندگان، دولت و ارتش لبنان باید مسوولیت حملات صورت گرفته از خاک این کشور را برعهده بگیرد.

آقای بنت گفت: «اسرائیل شلیک موشک به خاکش را نخواهد پذیرفت.»

به گفته آقای بنت، ایران و حزب الله قصد دارند اسرائیل را در بحران سیاسی و اقتصادی لبنان گرفتار کنند.

او همچنین از «بیداری مهم مردم لبنان» در واکنش به رفتار حزب الله تقدیر کرد.

## تغییرات اقلیمی؛ «وضعیت قرمز برای بشریت» و هشدار دانشمندان جهان



اطلاعات روز: محققان زیست محیطی در گزارشی که در سازمان ملل متحد تهیه شده در یک مطالعه قابل توجه آب و هوایی، درباره تاثیر مخرب عملکرد بشر بر تغییرات اقلیمی هشدار داده و بحرانی بودن وضعیت را «بیان واقعیت تلخ وضعیت کره زمین» برای ساکنان آن خوانده‌اند.

به گزارش بی بی سی فارسی، این گزارش از اثر مخرب انتشار مداوم گازهای گلخانه‌ای بر افزایش دمای کره زمین می‌گوید و نویسندگان آن هشدار می‌دهند که افزایش دو متری سطح آب دریاها تا پایان قرن حاضر به دلیل ذوب شدن یخ های قطبی هم قابل کتمان نیست.

کارشناسان محیط زیست گفته‌اند که این گزارش «بیدار باش عظیم» به دولت ها برای کاهش انتشار گازهای گلخانه ای است.

آخرین باری که سازمان ملل چنین گزارشی منتشر کرد هشت سال پیش بود.

اما اینبار اطلاعات و داده‌های دانشمندان از ساز و کار اقلیم کره زمین بسیار بیشتر شده است.

اولین نکته مهم گزارش این است که زمین در حال گرم تر شدن است. میزان این گرمایش امروز ۱.۲ درجه سانتیگراد بیشتر از زمان شروع انقلاب صنعتی است.

نکته دوم اینکه این گرم شدن عمدتاً نتیجه مصرف سوخت های فسیلی است. مصرف سوختهایی فسیلی

و دیگر فعالیت‌های اقتصادی بشر هر سال بالغ بر ۴۰ میلیارد تن گاز گلخانه‌ای وارد اتمسفر زمین می‌کند.

از زمان شروع انقلاب صنعتی نزدیک به ۲۴۰۰ میلیارد

گازهای گلخانه ای، مقاوم سازی و در پیش گرفتن تدابیر و سیاست هایست که آسیب پذیری نسبت به تغییرات اقلیمی را کمتر میکند.

مدیریت منابع آب برای فصل های خشکسالی و حفاظت از جنگل ها و تنوع زیستی از جمله موارد مقام سازيست که سوءمدیریت آن در کشورهای مثل عراق، هند و خیلی کشورهای دیگر عوارض تغییرات اقلیمی را دو چندان کرده است از جمله در ایران بویژه در چارچوب هشدارهایی درباره خطرات خشکسالی و محیط زیستی در این کشور.

پیشتر علیرضا شریعت، دبیرکل فدراسیون صنعت آب در مصاحبه با خبرگزاری ایلنا کم توجهی و سوءمدیریت را دلایل اصلی «ضعف» مدیریت از جمله در منابع آب در کشور می‌داند و معتقد است نبود انسجام میان سیاست‌های نهادهای مختلف دولت و همین‌طور اولویت‌بندی‌های نادرست موانع کلیدی هستند که باید در از میان برداشته شوند. او به خبرگزاری ایلنا گفت: «تا زمانی که وزارت‌خانه‌های کشاورزی، انرژی، محیط‌زیست و صنعت سیاستی یکپارچه اتخاذ نکنند، به جایی نخواهیم رسید.»

گزارش امروز سازمان ملل تجمیع ۱۴ هزار گزارش علمی دیگر است که از امروز بر روی میز سیاستمداران جهان قرار می‌گیرد.

بهترین شانس بشر برای در امان ماندن از شدیدترین عوارض تغییرات اقلیمی، گرفتن تصمیمات لازم در کنفرانسی جهانیست که در آبان ماه امسال با همین هدف در بریتانیا برگزار می‌شود.

هشدار اصلی این است که نباید گذاشت میزان افزایش گرما از ۱.۲ درجه سانتیگراد که امروز شاهد آن هستیم به دو درجه برسد.

رسیدن به دو درجه آستانه خطرناکی توصیف شده که می‌تواند طبیعت را دچار واکنش های شدید و غیرقابل پیش بینی کند.

چنین اتفاقی امنیت غذایی و اقتصادی را برای میلیاردها نفر به خطر می‌اندازد و تبعات خطرناک سیاسی و اجتماعی دارد.

دانشمندان پیش بینی می‌کنند اگر گازهای گلخانه ای مهار نشوند، شاید تا سال ۲۰۳۰ زمین به آستانه دو درجه برسد.

روی دیگر مقابله با تغییرات اقلیمی، بغیر از مهار



عاری از خشونت اقامه می‌شود، رد می‌کند، اعتراض این است که مقاومت عاری از خشونت هرگز علیه نازی‌ها نتیجه نداده است. اما، در واقع هر جا که از آن استفاده شده است، به گونه‌ای مؤثر نتیجه داده است.

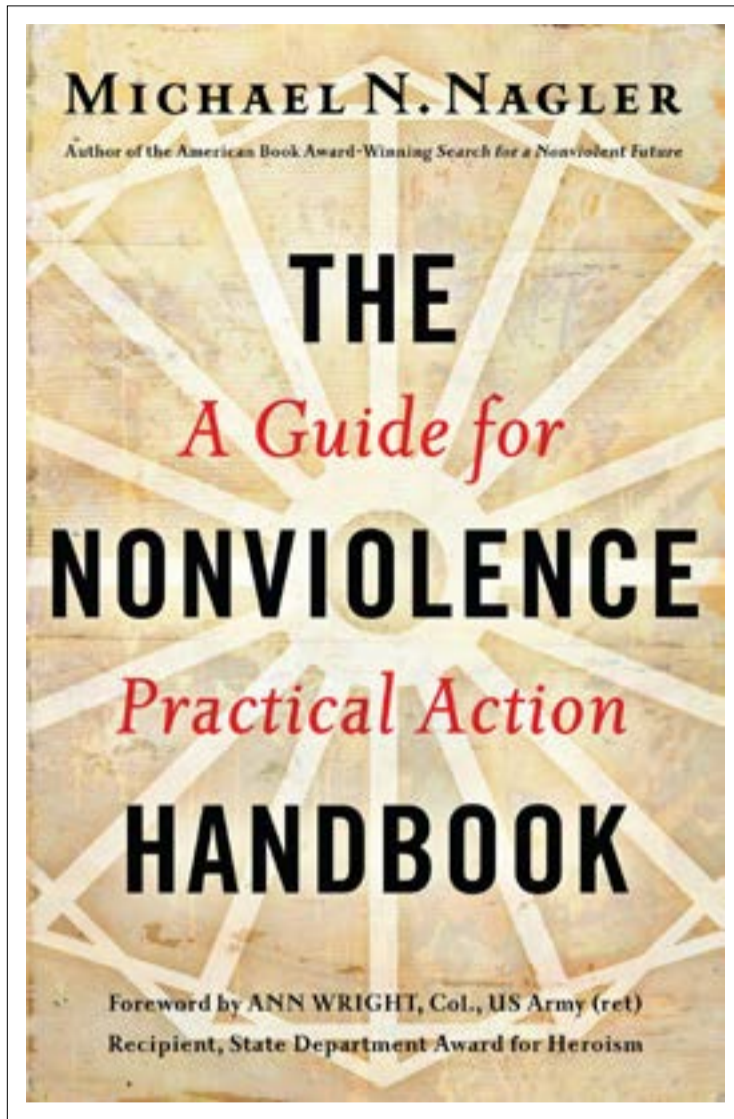
این‌گونه موفقیت‌ها وقتی به دست می‌آید که از یک سلسله تکنیک‌ها که با کمک آن‌ها می‌توانیم ویژگی‌ای عاری از خشونت بودن هرگونه حرکت برای برخورد و تعامل با جانب مقابل را حفظ کنیم و می‌توانیم مطمئن باشیم که تلاش‌های ما هدر نمی‌رود. پیش از این، اهمیت عدم تمسک به مسأله جدید که گفتگو را به سوی نزاع قدرت سوق می‌دهد، خاطر نشان کردم. اما مهم‌تر از آن، اجتناب از تعصب ورزی است، که مانند بازیکن فوتبال بعد از وارد کردن توپ به دروازه تیم حریف، سخن بگویم.

در طی شدت یافتن مذاکرات در مونت‌گومری الاباما که در پی بایکوت یک ساله شرکت ملی‌بس/ شرکت اتوبوس رانی شهری شروع شد، وکیل مدافع شرکت بس/ اتوبوس‌رانی شهری از این نگران بود که تسلیم خواست معترضان شدن، در را برای آنان باز خواهند کرد که «قدم فراتر نهاده لاف پیروزی سر داده و بگویند که آنان بر مردم سفید پوست پیروز شده اند و این چیزی است که نمی‌خواهیم». در واکنش به این نگرانی، کینگ به همکاران خود مشخص ساخت که «از طریق مقاومت عاری از خشونت ما از این وسوسه که روانشناسی افراد پیروز را اختیار کنیم، اجتناب می‌کنیم». این روانشناسی به دینامیک نسل‌های قدیمی من - علیه - تو تعلق دارد که زندگی را به مثابه برخورد اجزای جدا از هم که عمدتاً بر سر نمادها رخ می‌دهد، می‌دیدند. اما برخلاف، روانشناسی مقاومت عاری از خشونت از تبدیل کردن موفقیت به پیروزی که باعث می‌شود مخالفین قطب متضاد و بیگانه پنداشته شود، اجتناب می‌کند. نظر توین بی را به خاطر بیابوریم که گفت گاندی برای بریتانیا حکمروایی بر هندوستان را محال ساخت لکن (و یا تا حدودی به این دلیل) که او برای بریتانیا ممکن ساخت که هند را بدون دشمنی و خفت، ترک کند.

آخرین ایده‌ای که در مواجهه با موفقیت‌های ناشی از مقاومت عاری از خشونت در ذهن داشته باشیم این است که گاهی اوقات موفقیت‌ها صرفاً به مثابه یک آغاز دیده شود. چون می‌توان حالاتی را پیش‌بینی کرد، که شما هنوز از پس آن‌ها برنایماید. در سرمستی ناشی از پیروزی و یا صرفاً در خلصه استراحت، بسیاری از جنبش‌ها پیش این‌که مشکل واقعی حل شود، آب شده اند - که این وضعیت، سرانجام منجر به نابودی نفس تصور ستم، نه فقط وجود آن علیه گروه و یا شخص خاص، می‌گردد. وقایع سالیانه اخیر در باب مقاومت عاری از خشونت مملو از عقب‌گردهای یأس آور است که در پی سرنگونی‌های موفقیت آمیز به وجود آمده است: از فیلیپین، صربستان، مصر، یمن و اکراین فقط به‌عنوان چند نمونه یاد می‌شود. همچنین، هرچند انتفاضه نخست در فلسطین (۱۹۸۷ - ۱۹۹۳) که منجر به امضای پیمان اسلو شد، لکن آن پیمان از سقف آرمان آزادی برای فلسطین، کوتاه‌تر بود.

تقریباً واضح است که در این حرفه، هیچ چیزی مانند موفقیت نیست که به شکست تبدیل می‌شود. لکن پیش از این‌که با شتاب این‌گونه نتیجه بگیریم، به خاطر بیابوریم که این جنبش‌ها که به شکست انجامیده‌اند، غالباً و به گونه‌ای که می‌توان توضیح داد و قابل فهم ساخت، کامل نبوده‌اند. همان‌گونه که پیش از این توضیح دادیم عنصر تنومند ساختاری با نهادهای بدیل که در حالت خلا کار کنند، کامل می‌شود و غالباً مانع شکست می‌گردد. مقاومتی شدید فراتر از حد معمول، که فعالان امریکای لاتین آن را مقاومت دایمی فیرمسا نامیده است، نیاز است و این مقاومت حتا بعد از پیروزی نیز باید تداوم یابد.

اگر ما قواعدی چون «طرح نکردن مسأله جدید» و اجتناب از روانشناسی پیروزی، را رعایت کنیم، می‌توانیم موفقیتی را به دست آوریم و از آن لذت ببریم که فقط از طریق مقاومت عاری از خشونت می‌توان به آن دست یافت و کسی هم نمی‌تواند آن را از میان ببرد. ادامه دارد...



## درآمدی بر «مقاومت عاری از خشونت» (۵)

و آموزنده، داشت در برلین از پرده بیرون می‌افتاد. در نخستین آخر هفته مارچ ۱۹۴۳ یهودیان «ارای پیوند خویشاوندی با آرین‌ها که عمدتاً همسران شان زنان غیر یهودی بودند - برای فرستاند به اردوگاه‌های کار اجباری جمع آوری شده بودند. کاملاً برخلاف انتظار، همسران و مادران این مردان که سرانجام تعداد شان نزدیک به شش هزار زن می‌رسید در برابر مرکز بازداشت‌گاه روزن اشتراسه تجمع کردند و خواهان رهایی عزیزان شان شدند و از ترک محل خود داری کردند. با گذشت چند روز گشتاپو، نرم شد و آن مردان را رها کردند، بعضی از آنان که به اردوگاه‌های کار اجباری فرستاده شده بود، برگردانده شدند.

سرانجام این مردان در این جنگ زنده ماندند. این رویداد از این جهت بیشتر باعث تعجب می‌شود، که مقامات گشتاپو در پایتخت کشورهای اروپایی دیگر نیز جمعیت «نژادی مختلط» در اختیار خود داشتند، اما چشم شان به هدایات صادره از برلین بود، لکن این اعتراض مختصر این نتیجه را داشت که جان ده‌ها هزار انسان را نجات داد. (۳۱)

به عبارت دیگر، حتا یکی از ضعیف‌ترین صورت‌های مقاومت عاری از خشونت - اعتراض کوتاه و خودجوش توسط مردم آموزش ندیده، بدون هیچ درکی و یا با درک اندک از این‌که عدم خشونت چگونه کار می‌کند و بدون هیچ برنامه‌ای که در فعالیت‌های خود از آن پیروی کند - به طور مؤثر علیه یکی از ستمگرترین رژیم‌ها در تاریخ مدرن، نتیجه داد، که با مقداری آموزش و استراتژی، می‌توانست تأثیرگذارتر از این بوده باشد. این دو نمونه، به طور خاص نمونه دوم، یک اعتراض شدیداً شایع را که در نقد استدلال به سود مقاومت

که در مواردی که مقاومت عاری از خشونت (موقتاً) ناکام می‌ماند، مبتلا به افسردگی و اخلاق‌زدایی نشویم، همچنین به همان اندازه مهم است، در صورت پیروزی نیز نیز دچار عجب و غرور نشویم از جمله به این دلیل، همان‌گونه که خواهیم، دید تعیین مقدار موفقیت و شکست مقاومت عاری از خشونت، کاری است مهم و نیازمند دقت و ظرافت. برای یک شخص خشونت‌پرهیز، خشونت‌پرهیز ماندن حتا تحت شرایط بسیار سخت و دشوار، یک موفقیت است.

لکن کارزار عاری از خشونت، یقیناً می‌تواند موفقیت محسوس نیز داشته باشد. در واقع مطالعات جدید نشان می‌دهد که مقاومت عاری از خشونت دو برابر و در یک سوم زمان مقاومت‌های خشونت‌بار مؤثر واقع می‌شوند. (۳۰) در واقع، به موازات این‌که به تدریج تاریخ دارد تمایل نا آگاهانه خویش به سود خشونت را اصلاح می‌کند، به‌صورت روز افزون داستان‌های موفقیت و پیروزی مقاومت‌های دسته جمعی از خفا و تاریکی بیرون می‌آید و در معرض دید قرار می‌گیرند.

برای مثال، در قلمرو قدرت رژیم ویشی در جنوب فرانسه، آندره تروکمه کشیش کلیسای پروتستان فرانسه و همسرش ماگدا تمامی اهالی ساکن لوشامپون سور لینون را برای رهایی یهودیان و دیگر پناهجویان در زمان اشغال این کشور توسط نازی‌ها رهبری و سازماندهی کردند، در نهایت جان هزاران انسان را نجات دادند. شجاعت مقاومت‌گران، آنچنان افسر فرماندهی اشغالگران را تحت تأثیر قرار داده بود که او با قبول خطر جانی، اجازه نمی‌داد که دسته گشتاپوی محلی به مراکز نجات بورش بزنند. در عین حال، رویدادهای عمیقاً احساس‌برانگیز

بیمارستان بستری شدند و دو نفر از آنان به‌دلیل حمله حیوانات وحشی جان باختند. فداکاری داوطلبان هندی در چارچوب اهداف کوتاه‌مدت آنان، «نتیجه نداد»: استخراج نمک آزاد نشد و مالیه لغو نشد. (۲۷) این بدان معنا بود که هندیان مبارزه را باخته بود. لکن وقتی می‌بینیم طی این سال‌ها آنان توانستند آمادگی بگیرند و مقدمات یک مبارزه نهایی را به‌صورت عاری از خشونت، فراهم کردند و توانایی حفظ نظم را به دست آوردند، می‌توانیم بگوییم که هندیان در «جنگ» پیروز شدند. چون قدرت استعماری به چماق و مشت آهنین متوسل شد، در حالی‌که معترضان با شجاعت و پایداری مقاومت کردند و هرگونه نفرت را مردود شمردند، و رژیم مشروعیت خود را از دست داد. ماهیت واقعی رژیم آشکار گردید و هندوستان در وضعیت به دست آوردن آزادی خویش قرار گرفت. فقط مانده بود که زمان آن فرا برسد. در واقع، وقتی که استقلال به دست آمد، هفت سال بعد، هندوستان و بریتانیا قادر شدند که به رابطه استثماری از صمیم قلب خاتمه دهند. برخلاف اغلب کشورهایی که از وضعیت استعماری خارج شده‌اند، این دو ملت با هم شریک و دوست شدند. همان‌طور که مورخ بریتانیایی آرنولد توین بی اشاره کرده است، گاندی برای بریتانیا حکومت بر هندوستان را غیر ممکن کرد، لکن او برای بریتانیا این امکان را فراهم کرد که هندوستان را بدون کینه و بدون تحمل تحقیر، ترک کند. (۲۸). این بیان توصیف کلاسیک از اثر عمل عاری از خشونت است، لکن هیچ یک از این‌نتایج در زمان [جنبش اعتراضی] استخراج نمک در داراسانا، آشکار نبود.

در تاریخ عدم خشونت، این تنها زمان نیست که شکست ظاهری را به بدر موفقیت‌های بزرگ‌تر تبدیل کرده باشد. لکن به خاطر وجود فاصله زمانی میان عمل مبتنی بر عدم خشونت و اثرات آن، ما به آسانی وجود رابطه میان آن دو را نمی‌بینیم و از دیدمان پنهان می‌ماند، و یکی از دلایلی که بسیاری از مردم از فهم قدرت خود عدم خشونت عاجز می‌ماند، همین فاصله زمانی است. به خاطر بسپاریم که ما در پی فراتر از به دست یک آوردن فقط یک نتیجه مستقیم و محسوس می‌باشیم. ممکن است توقف فوری یک جنگ فرسایشی، برای ایجاد مانع بر سر راه یک موافقت‌نامه بیرحمانه در مورد «تجارت آزاد» و یا ساقط کردن یک دیکتاتور از قدرت، کاملاً مهم باشد و نرسیدن به این هدف مستقیم، یک ناامیدی باشد. اما به‌دلیل این‌که مبارزه عاری از خشونت، فقط یک مبارزه همه و یا هیچ نیست و به‌دلیل این‌که ما بیشتر علاقه‌مند نتایج در بلند مدت هستیم، نباید امید خود را بعد از یک شکست از دست دهیم. از فعالیت بر اساس عدم خشونت، باید بیاموزیم که باید تابع نتایج دراز مدت از قبیل رژیم‌های کمتر سرکوبگر، آشتی در میان همه جوانب، عدالت جامع و فراگیر، باشیم.

این نوع از ایمان، بلادرنگ و به آسانی به دست نمی‌آید. وقتی که شصت نفر در یک اعتراض صلح‌آمیز در شارپولی در آفریقای جنوبی در سال ۱۹۶۰ هدف گلوله قرار گرفتند و کشته شدند، رهبران کنگره تصمیم گرفتند که عدم خشونت برای از میان بردن رژیم اپارتاید کافی نیست. در نتیجه، آن‌ها سی سال را که طی آن، تلاش می‌کردند علیه رژیم جنگند از دست دادند، تا این‌که نلسون ماندلا از زندان رها شد و آن‌ها دو باره به جنبش عدم خشونت روی آوردند. همچنین بسیار دشوار است که کسی دل و جرأت خود را بعد از سرکوب بیرحمانه از نوعی که در میدان تیان‌من رخ داد از دست ندهد، لکن فهم عمیق‌تر منطق عدم خشونت می‌تواند غالباً مفید بوده و کمک کند. همچنین به خاطر سپردن و در ذهن داشتن کلمات مورخ شهیر تیودور روزاک، ممکن است کمک کند: «مردم برای یک هفته تلاش می‌کنند که مبارزه مبتنی بر عدم خشونت کنند، وقتی نتیجه نگرفتند به خشونت روی می‌آورند که قرن‌ها است نتیجه نداده است.» (۲۹)

**کوشش برای به دست آوردن موفقیت** علم به این‌که مقاومت عاری از خشونت غالباً یک پروژه طولانی‌مدت است، کمک می‌کند

مایکل ان. ناگلر  
مترجم: محمدامین احمدی

**دست‌یابی به فهم عمیق از سات‌یاگراها** دیدیم که عدم خشونت و سات‌یاگراها از خود ما شروع می‌شود، یعنی ما باید آماده باشیم و بیاموزیم که با هرمنزاعه با نیت درست، رفتار کنیم. همچنین، سات‌یاگراها فقط در صورتی موفق خواهد بود که وسایل و ابزار صواب، از جمله واکنش متناسب با میزان خشونت، ایجاد توافق، اهداف تعریف‌شده و مشخص و برنامه‌های سازنده به‌عنوان راهکارهای مناسب، به‌کار گرفته شوند. اما، ابعدی از سات‌یاگراها، باقی مانده است که باید بررسی شود. برای مثال، در صورتی که می‌بینیم رهبر مبتنی بر عدم خشونت ما، نتیجه‌ای دارد، چگونه واکنش نشان دهیم، و دقیقاً به همان میزان مهم است که بدانیم در صورت موفقیت چگونه عمل کنیم؟ نکته آخر این‌که بسیاری از ما ممکن است، از طرح این پرسش تعجب کنیم که آیا ممکن است که کاربرد نادرست عدم خشونت و یا کاربرد نادرست سات‌یاگراها، لزوماً سبب می‌شود به کار گیرندگان آن اسباب رنج و زحمت را به وجود آورند. بررسی این پرسش‌ها به ما بیشتر کمک می‌کند که درون‌مایه و نقطه کانونی سات‌یاگراها تعیین کنیم.

**دیدن نتایج واقعی** عمل مبتنی بر عدم خشونت همیشه اثر مفید خواهد داشت، همیشه اثر خوب در اذهان و قلوب مردم برجای خواهد گذاشت. از این لحاظ، عدم خشونت، دقیقاً در نقطه مقابل خشونت قرار دارد که همیشه از خود ضرر، تلخی و بیگانگی/بیزاری برجای می‌گذارد. اما جایی که عدم خشونت مشابه خشونت است، احتمال موفقیت آن در به دست آوردن نتیجه عادلانه، مشکوک و نامعلوم است.

وقتی که دقت می‌کنیم متوجه می‌شویم که ما عدم موفقیت سات‌یاگراها و یا عدم خشونت را غالباً بیشتر از آنچه که هست می‌بینیم، به خاطر این‌که درجه و یا عمق عدم خشونت که به کار گرفته می‌شود، متناسب با شدت خشونت نیست. یک اعتراض خودجوش بدون پشتوانه آموزشی و بدون داشتن استراتژی روشن، فقط نوک توده یخ شناور عدم خشونت است؛ صرف خودداری از تجاوز فیزیکی فقط شرط لازم برای موثرساختن قدرت کامل عدم خشونت است، اما کافی نیست. از این رو، وقتی که یک تلاش پارلمانی شکست می‌خورد، ما نباید فوراً نتیجه بگیریم که عدم خشونت کار نمی‌دهد. درست همان‌گونه که یک فعال ترک اخیراً اظهار داشته است: «ما روش را شکست داده‌ایم، او ما را شکست نداده است.»

دلیلی دیگر بر این‌که گاهی فکر می‌کنیم عدم خشونت شکست خورده است، این است که ما متوجه نیستیم که عدم خشونت در لایه عمیق‌تر چگونه کار می‌کند، غالباً در عمق مسیر ما به‌سوی آینده به نتایج مهم‌تر از آنچه فعلاً در مخیله ما خطور کرده باشد، منجر می‌شود. همان‌طوری که مورخ شهیر بی. آر. ناندای بیان داشته است، «واقعیت این است که سات‌یاگراها برای هیچ هدفی خاص و یا برای کوبیدن مخالف، طراحی نشده بود، بلکه برای این طراحی شده بود که در نیروهای محرک که در نهایت منتهی به برابری می‌شود، کار گذاشته شود؛ در چنین استراتژی‌ای کاملاً ممکن است به‌رغم از دست دادن تمامی جنگجویان، فاتح و پیروز جنگ باشیم.» (۲۶) مثال دراماتیک آن، در خلال سات‌یاگراها نمک برای شکستاندن انحصار حکومت بر نمک رخ داد که باعث محنت شدید بر هندی‌های فقیر شده بود و به این منظور اعمال می‌شد که قدرت استعماری بریتانیا را در هندوستان محقق کند. در ۲۱ می ۱۹۳۰ حدود دو هزار از مردم برای استخراج نمک در داراسانا «به‌صورت غیرقانونی» رفتند و در نمکی که از سواحل خودشان می‌آمد، تصرف کردند. امواج پی هم از مردم به‌صورت سازمان‌یافته در دسته‌هایی غیرمسلح و داوطلبانه، گاهی هم‌زمان بیست و یک دسته، به سوی آن محل می‌رفتند و زمین را می‌کاویدند، عمدتاً بدون این‌که سلاحی را برای محافظت از خودشان بردارند. در ختم همان روز ۳۲۰ داوطلب در



ملل متحد علامه گذاری شده بود، اما توسط عناصر ضد دولت مورد هدف قرار گرفته است.

به نقل از اعلامیه، محل ورودی دفتر با فیر هاوان و شلیک گلوله هدف قرار گرفته است که در نتیجهی آن، یک پولیس نگهبان افغان این نهاد کشته و شماری زخمی شده‌اند.

دیبرا لاینز، نماینده خاص دبیرکل سازمان ملل متحد در افغانستان این حمله را اسفناک خوانده و به شدت محکوم کرده بود. او به شناسایی و پاسخگو ساختن عاملان این حمله تاکید کرده و گفته بود که حملات علیه کارمندان غیرنظامی سازمان ملل براساس قوانین بین‌المللی ممنوع است و ممکن است جنایت جنگی پنداشته شود. گروه طالبان اما گفته بود که هیچ مشکلی متوجه دفتر سازمان ملل در هرات نیست. این گروه همچنین گفته بود که دفتر سازمان ملل در ساحه‌ی جنگی قرار داشت و ممکن است در جریان درگیری به محافظان آن آسیب رسیده باشد.

**ما صدای افغان‌های نیازمند را می‌شنویم**  
با این حال دفتر هیأت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما) می‌گوید که مصونیت کارمندان این سازمان نسبت به همه چیز در اولویت است و این سازمان برای کمک به آنان اقدامات و پروتکل‌های امنیتی را اعمال می‌کند.

لیام مک‌دوال، سخن‌گوی یوناما به روزنامه اطلاعات روز گفت که برای موثریت بیشتر و این‌که جان کارمندان سازمان ملل با خطر مواجه نشود، جزئیات این اقدامات را علنی نمی‌توانند.

از سوی هم، مک‌دوال گفت که سازمان ملل به حضورش در افغانستان و ارائه‌ی خدمات برای مردم این کشور ادامه می‌دهد. به گفته‌ی او، اوضاع در افغانستان در طول ۴۰ سال گذشته خوب نبوده است و وضعیت کنونی افغانستان نیز چالش‌های جدیدی را به وجود آورده است. او گفت که در شرایط کنونی، میلیون‌ها نفر در افغانستان به کمک فوری نیاز دارند.

سخن‌گوی یوناما در ادامه گفت که بیشتر نیروی کاری سازمان ملل را در افغانستان، افغان‌ها تشکیل می‌دهند و آنان نقش مهمی را در ارائه خدمات به مردم داشته‌اند: «هربری سازمان ملل متحد در افغانستان به خوبی از نگرانی‌های کارمندان محلی‌اش آگاه است، اما با تمام این نگرانی و چالش‌ها در این کشور، به کارش ادامه می‌دهد.»

او تأکید کرد که مأموریت سازمان ملل در افغانستان تغییر نکرده است و این سازمان به کار غیرنظامی خود با بی‌طرفی و به هدف صلح و تأمین حقوق تمام افغان‌ها ادامه می‌دهد تا از توسعه‌ی پایدار پشتیبانی و کمک‌های بشردوستانه را برای مردم و نیازمندان فراهم کند.

به گفته‌ی او، دفتر سازمان ملل در افغانستان برای کارمندان محلی‌اش سه دلیل آورده است که قابل قبول نیست و مسئولیت‌گریزی یک نهاد بین‌المللی را نشان می‌دهد.

استدلال اول سازمان ملل این بوده است که به‌عنوان یک نهاد بی‌طرف در تمام دنیا کار می‌کند و کارمندان آن با خطر مواجه نیستند. استدلال دوم سازمان ملل، این‌که این سازمان برای کمک به کشورها کار می‌کند و دارای قلمرو خاص نیست تا کارمندان محلی خود را منتقل کنند. دلیل سومی این است که این سازمان مسئولیتی در قبال کارمندان محلی‌اش ندارد؛ زیرا آنان (کارمندان محلی) با دانستن قانون سازمان ملل، در ازای پول کار کرده‌اند.

کارمندان معترض اما این استدلال را نپذیرفته‌اند و می‌گویند که اگر سازمان ملل متحد قلمرو خاصی ندارد، در عوض بزرگ‌ترین نهادهای مهاجرتی جهان را زیر چتر خود دارد و سالانه ۷۰ تا ۸۰ درصد کل مهاجرت‌های دنیا زیر نظر این نهاد انجام می‌شود.

از همین رو، معترضان می‌گویند که اگر سازمان ملل مسئولیتی در قبال امنیت کارمندان خود ندارد، با توجه به میزان تهدیدها، کمترین کاری که می‌تواند انجام دهد، با یک نامه‌ی تأییدیه از کارمندان محلی خود حمایت کند تا آنان برای مصونیت خود و خانواده‌های‌شان اقدام کنند. عبدالرحمان (اسم مستعار)، یکی دیگر از این کارمندان می‌گوید: «ما قوانین سازمان ملل را می‌دانیم و به آن احترام داریم. اما اگر این نهاد بی‌طرف است و تهدیدی متوجه کارمندانش نیست، چرا کارمندان خارجی‌اش را بیرون می‌کند؟ واقعیت همین است که به یک میزان خطر متوجه ما کارمندان است. به همین دلیل از این سازمان می‌خواهیم که حداقل برای ما یک H.R. Letter بدهد تا خود ما اقدام کنیم.» عبدالرحمان اضافه می‌کند که طالبان به ارزش‌های اسلامی و انسانی اعتقاد ندارند و در صدد است تا قدرت نظامی‌اش را به دنیا اثبات کند، از این رو از هیچ جنایتی چشم نمی‌پوشند: «همان طور که در مورد حمله بر دفتر سازمان ملل در هرات گفتند که در جنگ آسیب دیده، در مورد ما هم خواهند گفت. در جنگ کسی حلوا تقسیم نمی‌کند. در یک خلا معلوماتی و عدم تفکیک ما را خواهند کشت.»

**مسئولیت‌گریزی**  
کارمندان محلی سازمان ملل متحد و نهادهای مرتبط با آن، سازمان ملل و نمایندگی آن در افغانستان را به مسئولیت‌گریزی متهم می‌کنند. کارمندان مدعی‌اند که دفتر سازمان ملل با آن‌که اوضاع امنیتی افغانستان را می‌داند، اما به امنیت جانی کارمندان محلی این سازمان بی‌اعتنا است. عبدالله (اسم مستعار)، یکی از کارمندان این سازمان می‌گوید که سازمان ملل ۹۸ درصد از کارمندان خارجی‌اش را از افغانستان بیرون کرده، اما به جواب درخواست مکرر کارمندان محلی‌اش بی‌توجه است.

**هرات**  
در تاریخ هشتم ماه جاری خورشیدی منطقه‌ی «پل پشتون» و «پل مالان» دو نقطه‌ی نزدیک به شهر هرات گواه درگیری سنگین میان نظامیان دولتی و جنگ‌جویان گروه طالبان بود. در این درگیری، دفتر نمایندگی سازمان ملل متحد نیز هدف قرار گرفت. به نقل از اعلامیه‌ی یوناما، با آن‌که در بخش ورودی محوطه سازمان ملل متحد در هرات به‌گونه واضح به نام مکان سازمان



## کارمندان محلی یوناما: مصونیت نداریم

جنگ تنها رها و قربانی کارکردهای‌شان شوند.

یکی از این کارمندان با اشاره به مرگ عبدالصدامیری، کارمند کمیسیون حقوق بشر به روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که کارکردن با نهادهای خارجی در تفکر طالبانی حرام است، حتی اگر آن کارمندان محلی، مسلمان باشند و برای بهبودی افغانستان کار کرده باشند و در درگیری‌ها بی‌طرف باشند: «همه می‌دانند که طالبان تغییر نکرده‌اند و به هیچ ارزشی پایند نیستند. آنان کارمند داخلی و خارجی نمی‌شناسند و بدون هیچ تفکیکی، افرادی را که مخالف این گروه هستند هدف قرار می‌دهند. چنانچه با آقای امیری کردند.» او تأکید می‌کند که کارمندان یوناما نیز مانند کارمندان خارجی، آسیب‌پذیرند و به دلیل کارشان از اولین اهداف مشروع نظامی طالبان به‌شمار می‌روند.

مجلس شورای اسلامی افغانستان در ۱۳۹۸ سال نیز موتر حامل در افغانستان هیأت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما) در حوزه نهم شهر کابل هدف قرار گرفت. در آن حمله یک کارمند خارجی نمایندگی سازمان ملل در افغانستان کشته و یک کارمند خارجی و یک کارمند افغان یوناما زخمی شدند.

حمله به دفتر نمایندگی سازمان ملل متحد در بلخ که در ماه حمل سال ۱۳۹۰ صورت گرفت و منجر به کشته‌شدن یک شهروند سویدن، یک شهروند ناروی، یک شهروند رومانی و چهار نگهبان نیپالی این دفتر شده بود. کارمندان معترض یوناما در افغانستان می‌گویند که به‌دلیل ارتباط داشتن و کارکردن با نهادهای خارجی در افغانستان در معرض تهدید جدی طالبان قرار دارند. آنان استدلال می‌کنند که کارمندان محلی یوناما از آغاز حضور نیروهای خارجی در افغانستان، همپا با این نیروها کار کرده و نقش کلیدی را در ترویج و تقویت حکومت‌داری، حقوق بشر، آزادی بیان در افغانستان و محکومیت خشونت طالبان در جهان داشته‌اند. اما اکنون در اوضاع نابه‌سامان امنیتی با تهدید بالقوه نیروهای ضد دولت مواجهند و نباید در این میدان

**مک‌دوال گفت که سازمان ملل به حضورش در افغانستان و ارائه‌ی خدمات برای مردم این کشور ادامه می‌دهد. به گفته‌ی او، اوضاع در افغانستان در طول ۴۰ سال گذشته خوب نبوده است و وضعیت کنونی افغانستان نیز چالش‌های جدیدی را به وجود آورده است. او گفت که در شرایط کنونی، میلیون‌ها نفر در افغانستان به کمک فوری نیاز دارند.**

سکینه امیری  
گزارش

به دنبال حمله طالبان به دفتر هیأت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما) در هرات، اکنون شماری از کارمندان این نهاد می‌گویند که با بدتر شدن اوضاع امنیتی، امنیت جانی ندارند. به گفته‌ی آنان، در شرایط جنگی امکان تشخیص افراد بی‌طرف برای گروه‌های ضد دولت وجود ندارد، از همین رو امکان دارد که کارمندان این نهاد بی‌طرف نیز هدف قرار بگیرند. این کارمندان از دفتر هیأت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما) می‌خواهند که برای حفاظت از آنان در افغانستان یا بیرون از این کشور فکر کند.

**هدف اصلی**  
با خروج نیروهای خارجی از افغانستان، خشونت‌ها در کشور شدت گرفت. به دنبال آن، شماری از کشورها اعلام کردند که به‌منظور حفاظت از همکاران افغان نیروهای‌شان، به آنان پناهندگی می‌دهند. اما نمایندگی سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما) چنین وعده‌ای به همکاران افغان خود نداده است. برخی از کارمندان سازمان ملل و دیگر نهادهای مرتبط و زیرشاخه‌ی این سازمان در افغانستان در این باره اعتراض کرده‌اند. آنان به چندین حمله طالبان اشاره می‌کنند که کارمندان محلی یوناما در

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی zaki.daryabi2@gmail.com

• سردبیر چاپی: خادم‌حسین کریمی ۰۷۸۵۴۲۸۵۴۰

• سردبیر آنلاین: الیاس نواندیش

• گزارش‌گران و خبرنگاران: ابوذر ملک‌نژاد، جلیل رونق، سهراب سروش، عابر شایگان، عباس اسدیان، معصومه جعفری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس، واجد روحانی و فریضه عالمی

• بخش صلح: حسین‌علی کریمی، عباس عارفی و فاطمه فرامرز

• مترجم: جلیل پژواک

• ویراستار: شیرمهریار

• صفحه‌آرا: محمدرضا مظفری

• ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جويا شماره تماس: ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲ - ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷

• ایمیل: dailytilaatroz@gmail.com

• آدرس: کابل، کارته‌سه شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۰۱۸۷ توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲